



حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-communist Party of Iran

انترناسیونال ۵۰۳

اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.



منصور حکمت hekmat.public-archive.net

جمعه ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۲، ۳ مه ۲۰۱۳ - ۱۸ صفحه



اول ماه مه سنندج

روز جهانی کارگر ۲۰۱۳ در ایران، یک اول مه گسترده

صفحه ۲

شلا دانشفر

کارگران در برابر آیت الله ها!

پرچم سرخ های کارگران و نزاع های ملاها در ایران

فارسی نیند، باید به پرچم سرخ
کارگران در سنندج و دیگر
اجتماعات و اعتراضات کارگران
در تهران و سایر شهرها در اول مه
(روز جهانی کارگر) امسال توجه
کند.



مصطفی صابری

در حالی که خامنه ای در
وحشت از سایه خود فضا را چنان
امنیتی کرده است که وزیر
اطلاعتش برای یار غار پنجاه ساله
(یعنی رفسنجانی) بخاطر
"همکاری با فتنه" خط و نشان
میکشد و یا شایعه دستگیری و

هر ناظر سیاسی که بخواهد بداند
در بطن جامعه ایران چه میگذرد و
منبع خبری اش محدود به مدیای
رسمی نباشد و دنیا را از نگاه
مفسران بسم الله گوی بی بی سی

ادامه صفحه ۱۲

"فتنه" اسلام و اسلام سیاسی را نشانه میرود

مصاحبه Women's eNews با مریم نمازی درمورد فتنه

صفحه ۴

رویاهای رضا پهلوی و "شورای ملی اش"

صفحه ۳

کاظم نیکخواه



نهادی که با امضا بیش از ۸۰۰ نفر
اعلام موجودیت کرد!

صفحه ۵

زن آزاد

صفحه ۱۵

فرح صبری

بازتاب هفته

صفحه ۷

یاشار سهندی - محمد شکوهی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

روز جهانی کارگر ۲۰۱۳ در ایران، یک اول مه گسترده



شلا دانشفر

برگزاری اول مه امسال نیز موضوع کشاکش کارگران و حکومت اسلامی سرمایه داران بود. تهدیدات و فشارها و فشار بر فعالین کارگری از مدتی قبل از اول مه شدت یافت و در روز اول مه نیز حکومت مزدوران مسلحش را آماده و فضای شهرهای بزرگ را نظامی کرد تا از برگزاری اول مه جلوگیری کند. گرچه این تهدیدات و فشارها مانع برگزاری یک اول مه توده ای وسیع گردید، اما ترس حکومت از کارگران و اول مه را نیز بیش از پیش جلوی چشم مردم گذاشت. علیرغم این تمهیدات و فشارها کارگران امسال نیز ایستادند و این روز را در تهران، سنندج و شماری از شهرهای دیگر گرمای داشتند و خواسته‌هایشان را فریاد زدند. به سهم خود دست همه دست اندرکاران و سازماندهندگان این روز بزرگ اعتراضی را به گرمی میفشارم و به آنها درود میگویم.

فضای تجمعات اول مه امسال، فضای اعتراض و مبارزه بود و موضوع محوری این اعتراض، دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر و فلاکت بیسابقه ای که بر گرده کارگران و کل جامعه حاکم شده است. کارگران در این روز در قطعنامه‌ها و بیانیه‌هایشان کیفرخواست خود را علیه توحش سرمایه داری اعلام داشتند. به این اعتبار اول مه

امسال روز ابراز وجود بخش پیشرو جنبش کارگری در جلوی صحنه اعتراض کل جامعه بود.

اول مه امسال در شرایطی بر پا شد که هزاران کارگر در دهها مرکز کارگری در شهرهای مختلف از جمله ۱۲۰۰ کارگر نورد لوله صفا، ۲۴۰۰ کارگر خاتون آباد و ۱۰۰۰ کارگر صدرا در بوشهر در اعتصاب و مبارزه بودند.

همچنین تصمیم دولت مبنی بر تعیین ۴۸۷ هزار تومان که چند برابر زیر خط فقر است، موج وسیعی از اعتراض در میان کارگران را برپا کرد. این تصمیم اعلام جنگ چندین باره به کارگران و کل جامعه بود. خصوصاً ۳۰ هزار کارگر که امضا کنندگان طومارهای اعتراضی علیه دستمزدهای زیر خط فقر بودند، در برابر این تصمیم به خشم آمدند و اعلام کردند که کوتاه نمی‌آییم و تجمع و اعتصاب تنها راه در مقابل ما کارگران است. در چنین فضایی از اعتراض روز اول مه فرا رسید.

امسال نیز رژیم اسلامی مثل هر سال بساط مسخره هفته دولتش را بر پا کرد تا روز جهانی کارگر را به حاشیه براند. محجوب و پادوهای خانه کارگر بازیگران این بازی بودند. اما کارگران در مقابلشان ایستادند و در جاهایی این مراسم‌ها به صحنه اعتراض کارگران تبدیل شد. از جمله در جریان سخنرانی مقامات حکومت در سالن دانشگاه علمی کاربردی خانه کارگر در ۱۰ اردیبهشت تعدادی از کارگران و بازنشستگان تهران دست به اعتراض زدند و آنجا را به صحنه اعتراض خود تبدیل کرده و با طرح خواستها و اعتراضاتشان نگذاشتند مقامات حکومتی با خیال راحت و راجی کنند. در جلسه دیگری نیز در تهران که توسط مزدوران کانون

شوراهای عالی کار و با شرکت رئیس اداره کار، رئیس اداره بیمه و معاون بیمه و درمان تشکیل شده بود، تعدادی از کارگران، همزمان با سخنرانی مقامات شروع به صحبت کردند و میتینگ دولتی را به یک تجمع اعتراضی تبدیل کردند. بگذریم که رژیم اسلامی از ترس اشغال خیابان‌ها توسط کارگران حتی با دادن مجوز به پادوهای خانه کارگر خودشان نیز مخالفت کرد.

نگاهی به اخبار مراسمهای روز جهانی کارگر به روشنی نشان میدهد که اول مه مسال نیز یک روز گسترده اعتراضی بود. نقطه درخشان مراسم های این روز در تهران و در سنندج بود. تجمع اول مه در تهران در مقابل وزارت کار که از سوی هماهنگ کنندگان طومار سی هزار امضا با خواست افزایش دستمزدها برپا شده بود، با شعار "یک درصد تامین تامین، ۹۹ درصد گرسنه" که بر روی پلاکاردهایشان نوشته شده بود، صدای اعتراض این سی هزار کارگر و کل جامعه علیه فقر و گرانی و توحش سرمایه داری حاکم بود. این در حالی بود که صدها نفر دیگر از کارگران و مردم معترض خود را به خیابان کنار آنجا رسانده بودند اما نیروهای حکومت مانع پیوستن آنها به صف اعتراض کارگران شدند. نمایندگانی از سوی کارگران با مقامات دولتی به گفتگو نشستند و خواست کارگران مبنی بر لغو تصمیم دولت بر سر میزان حداقل دستمزد سال ۹۲ را به اطلاع رساندند و اعلام داشتند که پیگیری این خواست خود خواهند بود.

کارگران سندیکای شرکت واحد نیز به مناسبت روز جهانی کارگر مراسمی برپا داشتند و با تهیه طوماری اعتراضی خواستار آزادی فوری رضا شهبازی از رهبران

این سندیکا شدند. در سنندج نیز پلاکاردهای سرخ اول مه و مارش با شکوه کارگران و مردم معترض در وسط این شهر یک قدرتمایی با شکوه از سوی کارگران و مردم معترض شهر بود. در جلوی صف مارش اول مه سنندج پلاکارد سرخ کارگران جهان متحد شوید میدرخشید و شعارهای "کارگران اتحاد، اتحاد" و "نان، مسکن، آزادی" در فضای شهر سنندج طنین انداخته بود.

در سقز هم در وسط شهر تعدادی از کارگران و فعالین سیاسی جمع شدند و محمود صالحی از فعالین و رهبران کارگری سخنران این مراسم بود.

یک مرکز قابل توجه دیگر در اول مه امسال شرکت صدرا بوشهر بود که هزار کارگر در روز وارد سومین روز اعتصاب متحد خود شدند و طی بیانیه ای این روز را گرمای داشتند.

جنبه قابل توجه دیگر اول مه همانند هر سال قطعنامه‌ها و بیانیه‌های کارگران به مناسبت این روز بود. قطعنامه‌های اول مه کیفرخواست کارگران علیه توحش سرمایه داری بود. کارگران در بیانیه‌ها و قطعنامه‌هایشان بطور واقعی صدای اعتراض کل مردم به جان آمده را علیه فقر و گرانی و دستمزدهای چندین برابر زیر خط فقر را به صدا در آوردند. در این قطعنامه‌ها کارگران با خواسته‌هایی چون لغو مجازات اعدام، برابری زن و مرد، حق تشکل، حق اعتصاب و حق تجمع بعنوان حقوق پایه ای کارگران و کل مردم، دفاع از حقوق کارگران افغان بعنوان شهروندان این جامعه، حق داشتن یک زندگی انسانی برای کودکان و لغو کار کودکان، تامین برای بازنشستگان و درمان رایگان برای همه، و دیگر خواسته‌های فوری خود صدای اعتراض کل جامعه را

نماینده‌گی کردند. از جمله به مناسبت این روز قطعنامه‌ها و بیانیه‌هایی از سوی سندیکای شرکت واحد، اتحادیه آزاد کارگران ایران، برگزار کنندگان اول مه در سنندج، سندیکای کارگران خبازی‌های شهر سنندج و حومه، سندیکای کارگران خبازی‌های مریوان و سروآباد، رضا شهبازی، کانون مدافعان حقوق کارگر، کانون نویسندگان ایران و ... منتشر گردید.

به مناسبت اول مه فعالین کارگری سرشناس از جمله رضا شهبازی، علی نجاتی، پدرام نصراللهی، بهنام ابراهیم زاده، شاهرخ زندان، از زندان و از بیرون از زندان پیام دادند و سخننگوی خواسته‌های کل کارگران و کل جامعه شدند.

نگاهی به اخبار اول مه روز جهانی کارگر، به روشنی بیانگر حال و هوای جنبش کارگری و ابعاد وسیع اعتراضی در میان کارگران و کل جامعه است. به این ترتیب برای برگزاری اول مه و برپایی این روز مهم کارگران در ایران جنگیدند. یک خواست مهم قطعنامه‌های کارگری در این روز تعطیلی روز جهانی کارگر و به رسمیت شناختن آن بعنوان یک روز همبستگی کارگری بود.

زنده باد اول مه
روز همبستگی کارگری
گزارشات کوتاهی از این مراسمها را در زیر میخوانید.

تهران

- اول مه، روز ۱۱ یازده اردیبهشت ماه، هماهنگ کنندگان طومار سی هزار نفری کارگران همگام با میلیونها کارگر در سرتاسر جهان، اول ماه مه را با برپائی تجمعی اعتراضی در مقابل مجلس شورای اسلامی گرمای

روایهای رضا پهلوی و "شورای ملی اش"



کاتم نیکخواه

اخیرا رضا پهلوی با همراهی شماری از محافل عمدتاً گمنام طرفدار سلطنت، نهادی بنام "شورای ملی ایران" را پایه‌گذاری کرد و مدیای فارسی زبان دولتهای غربی نیز حول و حوش آن تبلیغات نسبتاً پرسروصدایی راه انداختند. این نهاد بنا به تعریف قرار است گویا ظرف در برگیرنده گرایشات مختلف اپوزیسیون ایرانی و ارگان رهبری سیاسی مردم برای کنار زدن جمهوری اسلامی باشد. در بیشتر تبلیغات و گزارشهایی که در مورد کنفرانس موسس این شورای کذایی منتشر شد، بر این تاکید گردید که نیروهایی که خواهان سرنگونی جمهوری اسلامی هستند دور هم جمع شده‌اند و این "شورا" را پایه‌گذاری کرده‌اند. و اینها خرج سفر خود را از جیب خود پرداخته‌اند! دلیل تاکید روی این دو نکته مشخص که قاعدتا باید بنا به توصیه جناب پهلوی صورت گرفته باشد را با کمی دقت میتوان درک کرد. اگر فقط این را هم تاکید میکردند که این جماعت هیچ ربطی به سلطنت پهلوی ندارند و هیچگاه از جناحهای رژیم اسلامی هم حمایت نکرده‌اند و سوابق طولانی مبارزه سیاسی را هم پشت سر خود دارند، فکر میکنم هدف گزارشگران برای وارونه نشان دادن نقطه ضعفهای اصلی و شناخته شده این جماعت و مشخصا جناب رضا پهلوی بیشتر تکمیل میشود. در واقع این شورای کذایی بنظر من هدفی که دنبال میکند ربطی به

"اتحاد اپوزیسیون" و "رهبری سیاسی مردم" و امثال اینها ندارد. بلکه شان نزول آن به حاشیه راندن همین نقطه ضعفها به مرور زمان در شرایط سیاسی موجود است. اخیرا متن مصاحبه ای با رضا پهلوی را نگاه میکردم که از ایشان پرسیده شده بود که "گفته میشود که شما هیچ فعالیت سیاسی ای طی سالهای گذشته نداشته اید. در این مورد چه میگویید؟". ایشان میگوید که "من ۳۱ سال فعالیت سیاسی داشته‌ام". مصاحبه کننده میگوید اگر ممکن است برای روشن شدن اذهان برخی فعالیت‌هایتان را اسم ببرید. و رضا پهلوی از این به اصطلاح "۳۱ سال فعالیت سیاسی" فقط میتواند بعد از يك مشت آسمان و ریسمان کردن، به چند دیدار با مقامات دست دوم کشورهای مختلف و چند مصاحبه رادیویی و تلویزیونی "برای رساندن صدای هموطنان داخل" اشاره کند. چیز بیشتری در چنته ندارد. يك عضو ساده يك جریان سیاسی رادیکال معمولاً کارنامه بسیار پر و پیمان تری از این جناب میتواند ارائه دهد. و این برای کسی که میخواهد خود را "سخنگوی اپوزیسیون" و رهبر سیاسی و امثالهم معرفی کند نقطه ضعفی جدی است. من در جای دیگری هم نوشتم که رضا پهلوی اگر پسر شاه نباشد چه چیزی در سیاست دارد که عرضه کند؟ نه پلاتفرم و برنامه ای را منتشر کرده، نه کتاب و مقاله ای نوشته، نه حزبی ساخته، نه هیچ کمپینی براه انداخته و یا در آن شرکت فعال داشته، نه کسی را از زندان آزاد کرده، نه ...

روشن است که شانس از این نظر برای ایشان وجود ندارد. بلکه سناریوی به قدرت رساندن پسر يك شاه از تخت افتاده، قاعدتا چیزی نظیر کودتای نظامیان، یا ساخت و پاخت با بخشی از نهادها و شخصیت‌های رانده شده رژیم موجود و یا رژیم چنج از طریق دخالت قدرتهای خارجی و بهرحال زدو بندی از بالای سر مردم است. رضا پهلوی از این نظر کارنامه بدی ندارد. هم از خاتمی دفاع کرده هم از کروی و موسوی و جنبش سبز کذایی و هم به سران ارتش و شهربانی و حتی به سپاه پاسداران بطور مداوم پیام فدایت شوم داده و هم با لابی‌های حاشیه حکومت‌های غربی نشست و برخاست کرده و به آنها آمادگی خود را اعلام کرده است. اما مساله اینست که همین سناریو ها نیز معمولاً با يك شوی ظاهراً مردمی و یا مردم پسند به پیش میرود. هیچ دولت غربی، علناً اعلام نمیکند که هواپیمایشان را گسیل کرده تا يك دسته از درباریان وفاداراش را شبیه سناریوی "هخا" در يك کشور دیگر به قدرت برسانند تا نظام سرمایه داری مطلوبش را برای بالا کشیدن ثروت و پول و نفت کشور دیگر سر پا نگه دارند. رضا پهلوی حتما در همین "ملاقات با مقامات کشورها" متوجه شده است که باید يك مشروعیت سیاسی برای خود دست و پا کند و از پسر شاه سابق و گوش بفرمان آمریکا، مردم پسند تر باشد. مخصوصاً که این مدت اخیر اتفاقاتی هم در ایران و هم در منطقه افتاده که سناریوهای قدیمی دولتها برای توطئه در کشورهای دیگر عوض شده است. سال ۸۸ و خیزش میلیونی علیه حکومت اسلامی به جریان افتاده، مبارزات هرروزه کارگران علیه کارفرمایان و حکومت به جریان افتاده، جنبش علیه سنگسار و اعدام دنیا را متوجه جنایات

جمهوری اسلامی کرده، انقلابات منطقه چند تن از حکومت‌های شبیه پهلوی ها را به زیر کشیده، و موارد متعددی از این قبیل. از طرف دیگر سناریوی چلبی در عراق و امثال اینها هم پوچی و مسخرگی خود را نشان داده است.

رضا پهلوی با سرهم بندی کردن نهاد کذایی "شورای ملی ایران" در واقع میخواهد خود را با شرایط جدید و مطلوب غرب انطباق دهد. ایشان می بیند که اوضاع سیاسی ایران متحول است. و سناریوهای اصلاح رژیم و جنبش سبز و امثالهم نیز که ایشان به آن امید بسته بود شکست خورده است. حکومت اسلامی جایی برای سرپا ماندن ندارد و باید دیر یا زود سرنگون شود. و ایشان فکر میکند با يك پرچم توخالی "حقوق بشر" و يك آرم دموکراسی و پارلمان و يك پلاتفرم مبهم و التقاطی و قابل تفسیر، میتواند شانس تبدیل شدن به "شاه دموکراتیک" آینده ایران را زنده نگه دارد. (زندگی لوکس و پر تجمل و بی درد سر خانواده سلطنتی انگلیس و هلند و چند کشور مشابه دیگر دهان ایشان را آب انداخته است)

جالب تر از همه اینست که ایشان جرات ندارد بگوید در پی سلطنت است و مدام تاکید میکند که هر نوع نظامی که مردم بگویند همان را پیاده خواهیم کرد! (یعنی خاصیت این رهبر سیاسی اینست که مردم او را رهبری میکنند!) اما در عین حال هر جا زیر سوال قرار میگیرد از تمام جنایات دیکتاتوری پدرش با زمختی و نپختگی دفاع میکند. برای نمونه سال گذشته در يك سخنرانی گفته بود که "بعضی از انقلابیون سابق به من گفته اند که ای کاش پدر شما

ما را اعدام کرده بود". واقعا به این جمله دقت کنید تا متوجه شوید که در پشت ظاهر آرام این جناب چه لجنی پنهان شده است. این یعنی بدترین نوع دفاع از اعدام و شکنجه و ساواک، یعنی به مردم میگوید آنها که اعدام شده اند چیزی را از دست نداده اند و کشته شدن عزیزان شما جای تاسفی نباید باشد. زیرا زندگانی شبیه آنها آرزوی اعدام شدن میکنند. خود را جای پدر و مادر و یا کسانی که عزیزانشان توسط ساواک شاه وحشیانه شکنجه و اعدام شده اند بگذارید تا متوجه شوید که با این حرف چه حالی به آنها دست میدهد. واقعا انسان میماند نسبت به این نوع تفکرات عمیقا ضد شعور بشری چه عکس العملی نشان دهد.

تنها چیزی که باید به ایشان و امثال ایشان یادآوری کرد اینست که ایران نه عراق است نه سوریه و نه افغانستان. این درست است که در این کشور بیش از ۳۰ سال است ارتجاعی ترین و چپاول گرتترین خونخوارترین دیکتاتوری مذهبی سرمایه داران حاکم شده است. اما کارگران و زنان و جوانان و همه مردم نیز بیش از ۳۰ سال است در جنگ و جدال با این دیو خون آشام تجربه و آگاهی بدست آورده اند و کسی نمیتواند به سادگی با این سناریوهای پیچیده تر از این، يك بار دیگر ارتجاع و چپاولگری و حاکمیت يك درصدی ها را بر کارگران و مردم حاکم کند. شما هم بهتر است از شرتهای باد آورده موجود خود لذت ببرید و خود را بیش از این در بازیهای کثیف درگیر نکنید.

۳ مه ۲۰۱۳*

International Committee Against Stoning
(<http://stopstoningnow.com>)
International Committee Against Execution
(<http://notonemoreexecution.org>)

For more information contact:
Spokesperson: minaahadi@aol.com
0049-177-569-2413

"فتنه" اسلام و اسلام سیاسی را نشانه می‌رود

مصاحبه Women's eNews با مریم نمازی در مورد فتنه



(با تشکر از سهیلا شریفی برای ترجمه این مصاحبه)

چرا اسم این جنبش را فتنه گذاشته اید؟ شما گفته اید که زنان بعنوان منشا فتنه شناخته می شوند، می توانید اینرا بیشتر توضیح دهید؟

در اسلام زنان منشا فتنه شناخته میشوند. در یکی از احادیث محمد پیغمبر اسلام می گوید "من هیچ فتنه ای را مضرتر از زنان به حال مردان بجا نگذاشته ام" (البخاری، مسلمان). همه مذاهب زنان را منشا فتنه می بینند. در یهودیت دعائی وجود دارد به این مضمون: "شکر تو خداوند بزرگ، پروردگار ما، خالق زمین و آسمان که مرا زن نیافریدی". در انجیل آیه ای هست که می گوید "ناپاک او در زیر دامنش است" (لام ۱: ۸). مثالهای فراوانی از این دست که نشان از زن ستیزی است را می توان در همه مذاهب پیدا کرد.

در عمل این آیه ها و احادیث منجر به کنترل و محدود کردن زنان، و نه تنها این بلکه حفظ شرایط کنونی از ناموس خانواده تا نظم موجود میشود. این تجربه تلخ را بیشتر از همه زنانی دیده اند که تحت قوانین اسلامی زندگی می کنند چرا که اسلام از جمله مذاهبی است که امروز به قدرت سیاسی دسترسی دارد و حکومت می کند.

ابعاد تنفرو تحقیر زنان در مذاهب و اسلام بسیار عمیق است. اخیرا در شهر مریوان یک قاضی حکم صادر کرد که مرد جوانی را لباس زنانه و روسری پوشانده و در شهر بگرداند که مورد تحقیر قرار

گیرد. زن بودن از نظر اینها بزرگترین تحقیر محسوب میشود.

در حالیکه کلمه فتنه از نقطه نظر مذهب و اسلام سیاسی کلمه ای منفی است اما اگر از زاویه دیگری به آن نگریسته شود می توان تعبیر متفاوتی از آن بدست داد. همیشه زنی که نورمها را زیر پا می گذارد بعنوان منشاء فتنه شناخته میشود. زنانی که حاضر به تمکین نیستند، زنانی که در مقابل قوانین و سنتهای ضد زن مقاومت و نافرمانی می کنند. به یک معنا جنبش مبارزه برای رهائی زن برای کسانی که بر سرکوب و بی حقوقی زن پافشاری می کنند سرچشمه و منشاء فتنه است. جنبش برای رهائی زن بویژه "فتنه" ای است علیه حکومت اسلامی ضد زن در ایران و علیه همه جریانات اسلامی در همه جا!

چه چیزی جرقه این جنبش را زد؟ آیا این کمپینی است علیه مذهب؟ علیه مردان؟ علیه مردان مذهبی؟ علیه یک دولت مشخص؟ این کمپین دقیقا چه کسی را نشانه رفته است؟

فتنه نماینده یک جنبش جدید برای یک دوره جدید است. دوره یک تازی اسلام سیاسی و میلیتاریسم آمریکائی و حکمرانی مطلق بازار آزاد به سر رسیده است. دوره جدید جنبش ۹۹ درصدیها و انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا است که در بسیاری از آنها زنان در صف اول مبارزه هستند. در حالیکه هنوز با توجه به "دستاوردهای" اسلامیها (که در واقع نیروهای ضد انقلابی هستند و کمربه تحریف و سرکوب انقلابات بسته اند) برای خیلی ها ساده نیست که علائم دوره جدید را مشاهده کنند، اما تغییر دوره بخوبی قابل لمس است..

فتنه جنبش زنان و مردانی

است که از آزادی و برابری و سکولاریسم دفاع می کنند و خواهان لغو قوانین و سنتها و اخلاقیات ضد زن و مذهبی هستند و می خواهند از شر آپارتاید جنسی، حجاب اجباری، تجارت جنسی زنان و خشونت علیه زنان رها شوند.

هرچند که فوکوس کار ما روی ایران است و خاورمیانه و شمال آفریقا را ویژه تر در دستور کارمان داریم اما این جنبش یک جنبش جهانی است. ما حق زنان را بعنوان یک حق غربی نمی بینیم. بقول یکی از شعارهای تظاهرات کنندگان ۸ مارس ۱۳۵۷ "حق زن نه شرقیست نه غربی، جهانیست".

ما همچنین حقوق را بعنوان یک امر نسبی فرهنگی نمی بینیم. طبقه کارگر و مردم پیشرو دنیا برای بدست آوردن حقوق انسانی جنگیده اند و این حقوق به همه بشریت تعلق دارند. حق رای را کسی بعنوان یک حق غربی نمی بینند هرچند که اولین کشوری که مردم در آن حق رای بدست آوردند در غرب بوده باشد.

همچنین علیرغم اینکه همه مذاهب ضد زن هستند تمرکز کار ما بیشتر روی زدن اسلام و اسلام سیاسی است با توجه به تاثیراتی که این مذهب و حکومتهای آن روی منطقه و دنیا گذاشته است.

الیزابت کادی زن مبارز آمریکائی که برای حق رای و لغو بردگی مبارزه میکرد میگفت: "انجیل و کلیسا بزرگترین مانع بر سر راه آزادی زن بوده اند". این حرف مخصوصا امروز در مورد اسلام و اسلام سیاسی خیلی صدق می کند. البته وقتی در مورد اسلام و یا هر مذهب دیگری صحبت می کنیم منظورمان مذهب بعنوان امر شخصی افراد نیست. هر کسی حق دارد مذهب خودش را داشته باشد یا بی مذهب باشد، اما اسلام امروز یک مسئله شخصی نیست یک

صنعت و یک نیروی سیاسی است. فتنه دوره ما را نمایندگی می کند - دوره ای که ما باید بدرخشیم. الان مائیم که در موقعیت حمله قرار داریم. فتنه خطری است به جریانات اسلامی: جنبش ما، جنبش رهائی زن، اسلام سیاسی را به زانو در خواهد آورد.

آیا شما فکر می کنید اسلامیسیم یک نوع رادیکالیسم است؟

رادیکالیسم به معنی برگشتن به ریشه است. در حالیکه جنبش اسلام سیاسی مذهب را وسیله ای برای بدست گرفتن قدرت سیاسی توسط راست ترین نیروهای ارتجاعی می بیند. این جنبش در مورد برگشتن به ریشه های اسلام بعنوان یک ایدئولوژی نیست بلکه جنبشی است برای گرفتن قدرت سیاسی (بدست گرفتن قدرت و حکومت کردن از طریق قوانین شریعه). به همین دلیل است که دولتهای مختلف و گروههای مختلف بسته به میزان قدرت خود و یا برای حفظ قدرت خود، قوانین متفاوتی را بر جامعه تحمیل می کنند. بعضی ها فکر می کنند این تفاوتها بخاطر این است که این قوانین ربطی به اسلام ندارند اما این تفاوتها همانطور که گفتیم، نه تنها به ایدئولوژی بلکه همچنین به اهداف سیاسی و اینکه چقدر می توان از مذهب برای رسیدن به قدرت یا حفظ قدرت استفاده کرد، مربوط میشود.

در جائیکه جنبش رهائی زنان و سکولاریسم قوی تر است اینها ناچارند ژست "میانه رو" بخود بگیرند و گرنه در اصل و بطور بنیادی همه مثل هم هستند.

نکته دیگری که مهم است و باید در مورد اسلام سیاسی بر آن انگشت گذاشته شود این است که این جنبشی در عصر حاضر است که بخاطر عقب رانده شدن مدرنیزاسیون و جنبش سکولاریستی چپ جامعه پا به عرصه وجود گذاشته است.

اگر بخاطر سیاستهای خارجی دولت آمریکا در دوره جنگ سرد نبود اسلام سیاسی همچنان یک

جنبش حاشیه ای می ماند. سیاست خارجی آمریکا مبنی بر اینکه یک کمربند سبز اسلامی دور شوروی آزمان درست کند باعث شد این جنبش گسترش پیدا کرده و در ایران با سرکوب انقلاب ۵۷ به قدرت برسد که نتیجه آن تبدیل شدن اسلام سیاسی به یک قدرت جهانی شد.

بعضی از زنان مسلمان می گویند اگر حقوق آنها را بر اساس قوانین اسلامی "درست" تعریف کنند با این قوانین مخالفتی نخواهند داشت و آنها را می پذیرند. نظر شما در مورد این نکته چیست؟

"فمینیستهای" اسلامی مانند شیرین عبادی می گویند اگر دولتها تعبیر نادرست از اسلام نکنند و در عمل قوانینی بر اساس این تعبیر نادرست برپا نکنند، زنان از حقوق کامل در اسلام برخوردار خواهند شد. این دیدگاه چند ایراد اساسی دارد. اول اینکه قرآن و حدیث که قوانین اسلامی بر اساس آنها تنظیم شده اند پر هستند از دستورهایی ضد زن. برای نمونه سنگسار را می توان در احادیث پیدا کرد و کتک زدن زن را در قرآن، دوما وقتی از حقوق زنان صحبت می کنیم باید پرسید منظورتان از "حق" چیست. حتی جریانات اسلامی در قدرت هم ادعا می کنند که تحت قوانین آنها زن از حقوق کامل برخوردار است چرا که طبق دیدگاه آنها زن و مرد برابر نیستند و در نتیجه باید "حقوق" متفاوت هم داشته باشند.

بعلاوه مشکل "تعبیر" این است که تعبیر شما هم یکی از تعبیرهای مختلف موجود است و حتی اگر شما تعبیر "خوبی" داشته باشید معمولا در نهایت یک امام مرتجع و یا حاکم شرع است که برایتان تصمیم می گیرد. اما مهمتر از همه من این سوال را مطرح می کنم که آیا واقعا یک تعبیر "خوب" امکانپذیر هست؟ اگر شما مباحث مربوط به تعبیر خوب را دنبال کرده باشید خیلی زود به بیهودگی و بی اساس بودن این مباحث می رسید.

نهادی که با امضا بیش از ۸۰۰ نفر اعلام موجودیت کرد!



فتنه - جنبش برای رهایی زن در طول یک هفته بعد از اعلام موجودیت اش که با امضا ۱۷۳ نفر از مهمترین شخصیت های آنتیست، اومانیست سکولار و مدافع حقوق زن از سراسر جهان انجام شد، اکنون با اضافه شدن امضا ۶۳۳ نفر که در این هفته به ما پیام داده و یا طومار اعلام موجودیت را امضا کرده اند یک رکورد مهم را شکست. نهادی که با امضا شخصیت های محبوب و معروف از دنیا اعلام موجودیت کرد. فتنه در ادامه رشد و گسترش مبارزات زنان در دنیا و بهم پیوستن این اعتراضات و رابطه و حضور فعال چندین ساله ما با این اعتراضات اعلام موجودیت میکند. فتنه عصاره و چکیده جنبشی حی و حاضر است که در ایران و در خاورمیانه و شاخ آفریقا با مبارزه میلیونها زن علیه سنت و فرهنگ زن ستیزانه و علیه دخالت مذهب و اسلام و گروهها و دولتهای اسلامی با چنگ و دندان از حرمت زنان دفاع میکنند. هر امضا از سوی یک شخصیت مهم از هر کشوری به معنای اینست که ما با مبارزات زنان و مردم مترقی و مدرن در این کشورها وصل میشویم و امکان ارتباط با میلیونها نفر از سراسر جهان را به دست می آوریم! در اینجا اسامی تعداد از این افراد را مطرح کنیم تا دامنه و ابعاد استقبال از این پروژه مهم را

بیان کنیم. ریچارد داوکینز آنتیست و منتقد مذهب محبوب آمینا تایلر چهره معروف تونس از فمینوناس آنتیست بین المللی مدافع حقوق زن از فرانسه، آویجت روی نویسنده و فعال آنتیست از بنگلادش، پتر تاجل مسئول بنیاد پتر تاجل و فعال سرشناس مدافع حقوق انسان از انگلستان، تسلیمه نسرین نویسنده محبوب و معروف از بنگلادش، جایا گوپال هماهنگ کننده کمیته دفاع از آزاد اندیشی از هند، حمید تقوایی لیدر حزب کمونیست کارگری ایران، جون پریکینز مسئول حزب سکولار استرالیا، شاهین نجفی هنرمند آثارشبیست مستقل از آلمان که فتوای قتلش از سوی سران حکومت اسلامی داده شده، عماد آدینه حبیب موسس اکس مسلم مراکش، غلام مصطفی لاخو وکیل مدافع دادگاه عالی پاکستان، لورا گویدیه تی مجله ماری ریویو ایتالیا، ویسام موسی آنتیست لبنانی، ما صدای این جنبش گسترده و بلندگوی این اعتراضات خواهیم شد. ما علیه ستم بر زنان در همه جای دنیا، علیه زن ستیزی مذهبی و بویژه قوانین شریعه و تعرض نیروهای اسلامی به حقوق زنان خواهیم بود. این اعلام موجودیت یک نهاد حفاظت از حقوق و حرمت زنان بویژه در کشورهای اسلام زده است. از این پس با امضا بیش از

از صفحه ۴

"فتنه" اسلام و اسلام سیاسی را نشانه میبرد

بعنوان خواست مردم جا بزنند. اما واقعیت غیر از این است. هیچکدام از انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا خواستههای اسلامی مانند حجاب اجباری، قوانین شریعه و حکومت اسلامی نداشتند. در حقیقت مردمی که تحت قوانین شریعه و یا زیر تهدید این قوانین زندگی کرده اند پرو پا قرص ترین مخالفان آن هستند. و بعنوان نکته آخر اگر واقعا مردم می خواستند تحت قوانین اسلامی زندگی کنند، اگر واقعا اسلام فرهنگ مردم بود آنوقت اسلامیها و جریانهای اسلامی مجبور نبودند قوانین اسلامی را با چنان خشونتی بر جامعه تحمیل کنند. اینکه آنها مجبورند خیابانها را کنترل کنند و مردم را بخاطر نوع پوشش و یا طرز فکرشان دستگیر و زندانی و جریمه کنند نشان می دهد که قوانین آنها چیزی به غیر از تحمیل بر مردم نیست.

البته ممکن است کسانی باشند که قوانین شریعه را بر قوانین سکولار ترجیح می دهند و یا کسانی که دوست دارند بردگی و آپارتاید نژادی را برگردانند اما اینها تماما به جامعه بیربط هستند. قوانین شریعه و حکومتهای اسلامی سرکوبگر هستند و کسی "حق" سرکوب ندارد.

چه برنامه ای دارید؟ می خواهید چکار کنید؟

جنبش ما قصد دارد به اسلام سیاسی پایان دهد. هرچند که زن ستیزی با پایان اسلام سیاسی به پایان نخواهد رسید اما با از بین رفتن یکی از ستونهای اصلی زن کشی در دنیا وضعیت زنان بطور محسوسی بهبود پیدا خواهد کرد.

اصل مصاحبه به زبان انگلیسی را میتوان در لینک زیر مشاهده کرد:

<http://womensenews.org/story/religion/130501/fitnah-targets-islam-ready-cause-affliction#.UYJSB7Wmg3k>

نگاهی به سوره النسا در قرآن بیندازید در آیه ۳۴:۴ می گوید: از زنان آنهاییکه می ترسید دچار خیانت شده باشند و یا رفتار بدی از آنها سر زده باشد، ابتدا با آنها صحبت کنید و بعد از همبستری با آنها بپرهیزید و در نهایت اگر هنوز توبه نکرده اند آنها را بزنید (البته به آرامی!)... فمینیستهای اسلامی می گویند مردان فقط قرار است با چوبک های نازک و یا پر زناشان را بزنند. برای حاکمان شرع در انگلستان (جائیکه خشونت های خانوادگی جرم محسوب می شود) اگر مردی زنش را طوری زده باشد که جای آن مانده باشد و یا به صورت و دستگاه تناسلی او ضربه زده باشد کار او خشونت محسوب نمی شود. نکته اما اینجاست که هیچ زنی نباید تحت هیچ عنوانی و با هیچ وسیله ای کتک بخورد.

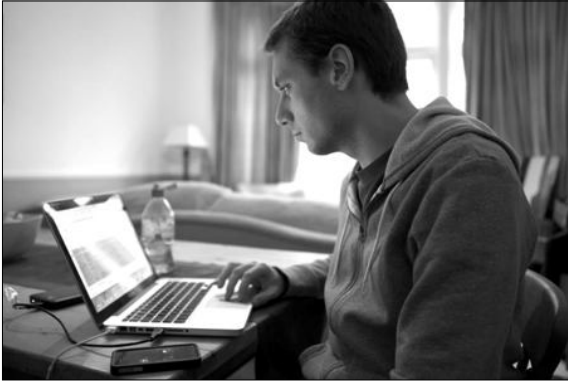
واضح است که نمی توان حقوق زنان و زندگی آنها را در دست قوانین مذهبی و تعابیر مختلف از آنها رها کرد. مذهب یک امر شخصی است. وقتی مذهب در حکومت قرار می گیرد و قوانین جامعه و سیستم آموزشی و قضائی جامعه را در دست می گیرد دیگر تبدیل به قدرت سیاسی و وسیله ای برای کنترل جامعه میشود.

جدائتی مذهب از دولت و قوانین قدم مهم و بزرگی در راه بهبود شرایط زندگی زنان و حقوق آنهاست. وقتی به مسائل در ابعاد وسیع اجتماعی نگاه می کنیم می بینیم که اکثریت مردم حتی آنهایی که مسلمان هستند ترجیح می دهند تحت قوانین سکولار زندگی کنند. تالیف اسلام سیاسی و مسلمانان بخاطر این است که جریانهای اسلامی بتوانند ادعا کنند که نماینده مسلمانان هستند و در نتیجه آنچه را که خودشان می خواهند در جامعه پیاده کنند و

فتنه - جنبش برای رهایی زن
۳۰ آوریل ۲۰۱۳
برای اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید:
مینا احدی
+49 (0) 1775692413
کیوان جاوید
+44 (0) 7861476869
مریم نمازی
+44 (0) 7719166731
آدرس پستی:

Maryam Namazie
BM Box 1919, London WC1N 3XX, UK
Email: fitnah.movement@gmail.com
Blog: http://fitnahmovement.blogspot.co.uk
Website: www.fitnah.org/ (در دست تهیه است)

مصاحبه با کریس جانسون



سهیلا شریفی

کریس جانسون عکاس ۳۱ ساله آمریکائی است که در شهر نیویورک زندگی می کند. او در یک خانواده غیر مذهبی بزرگ شده است اما بخاطر کنجکاوی در مورد مذهب بخشی از واحدهائی که در دانشگاه انتخاب کرده بود به تعلیمات مذهبی اختصاص داشت و بقول خودش هرچه بیشتر در مورد مذهب مطالعه می کرد بیشتر از آن فاصله می گرفت. او علاوه بر عکاسی، به جهانگردی و سیر و سیاحت در دنیای طبیعت و مطالعه زیباییهای آن می پردازد که بقول خودش از زندگی نهایت استفاده را کرده باشد. او اخیراً در حال تهیه یک کتاب عکاسی در مورد آتئیستها و معنی زندگی و شادی از نظر آنهاست. در این رابطه من مصاحبه کوتاهی با او انجام داده ام که ترجمه آنرا اینجا میبینید

سهیلا شریفی: در مورد کتاب و این پروژه به ما بگوئید. چه چیزی الهام بخش شما بود که به اینکار دست بزنید؟

کریس جانسون: این کتاب اسمش هست "یک زندگی بهتر: ۱۰۰ آتئیست در مورد زندگی و معنی آن در دنیای بدون خدا صحبت می کنند". این یک کتاب عکاسی است که قرار است در پایتیز آینده منتشر شود. دو سال پیش با برادرم در یک

سفر در منطقه جنوب غربی آمریکا بودیم که برادرم پیشنهاد کرد یک کتاب عکاسی از کارهایم منتشر کنم. از آنجائی که در زمان طرح این پیشنهاد داشتیم به یک برنامه در مورد مذهب و شکاکیت به وجود خدا گوش می کردیم و از آنجا که من همیشه به این موضوع علاقه داشتم این ایده به ذهنم رسید که تم کتابم را در مورد بی خدائی و آتئیسم انتخاب کنم. ماهها با این ایده در ذهنم کلنجار رفتم تا بالاخره توانستم با خودم به توافق برسم و طرح آنرا بریزم. سال پیش هزینه تهیه کتاب را از طریق یک وب سایت به اسم کیک ستارتر فراهم کردم و از آن موقع به بعد دارم تمام وقت روی آن کار می کنم. من می خواهم نشان دهم که ما آتئیستها هم می توانیم زندگی را به همان اندازه کسانی که معتقد به وجود خدا هستند (و حتی بیشتر) پر از معنی و شادی و سرشار از شور و هدف بگذرانیم. اگر زندگی بعد از مرگ وجود ندارد و این تنها فرصتی است که بتوانیم زندگی کنیم پس باید نهایت استفاده را از آن ببریم و زندگی غنی و سرشاری داشته باشیم. من افراد زیادی را در این کتاب به تصویر کشیده ام از جمله: ستیون پینکر، جولیا سوینی، مات دیلاننتی، گرتا کریستینا، نهله مخمود، آکس هانولد، سهیلا شریفی، دانیل دانت، جیم ال خلیلی، مریم نمازی، دارن براون، هوزان محمود و خیلیهای دیگر.

سهیلا شریفی: با چند نفر تابحال مصاحبه کرده اید و بیشتر از چه قشری هستند؟

کریس جانسون: تابحال با ۸۲ نفر از ۱۰۰ نفری که در لیستم دارم مصاحبه کرده و عکسهایشان را گرفته ام. از سن ۱۸ تا ۸۲ و با سابقه های متفاوت و از کشورها و مناطق مختلف در میان این افراد هستند. از خلبان هواپیما گرفته تا کوهنورد، وزیر سابق و شعبده باز در میان آنها هستند که واقعا گروه بسیار رنگارنگی را تشکیل می دهند.

سهیلا شریفی: باید تجربه خیلی جالبی باشد. خود شما چه احساسی در اینمورد دارید آیا فکر می کنید آتئیستها با دیگران خیلی تفاوت دارند؟ آیا افراد جالبی هستند؟

کریس جانسون: در بحال تجربه فوق العاده ای بوده است. من هشت

ماه از دوازده ماه گذشته را در سفر بوده ام چه در خود آمریکا و چه در اروپا و با افرادی که موضوع کتاب من هستند ملاقات کرده ام. دیدن و صحبت با این انسانهای بی نظیر خستگی راه و سفر طولانی را از تن در میاورد و من چیزهای زیادی از زندگیها و داستانهای آنها در این مدت آموختم.

همچنین خیلی خوشحالم که پروژه ای که من در دست دارم با عکس العمل خوبی روبرو شده است. اکثر کسانی که موضوع کتاب من هستند از اینکه می توانند در این پروژه جالب و تازه شریک باشند خوشحال و هیجانزده هستند. علاوه بر اینها من پیامهای فراوانی از آتئیستهای زیادی در سراسر دنیا دریافت کرده ام که مرا در کارم تشویق کرده اند و گفته اند مشتاقانه منتظر انتشار کتاب هستند. از اینکه دیگران (حتی کسانی که هیچوقت ندیده ام و نمی شناسم) برایم پیام می فرستند و از کارم استقبال می کنند احساس خیلی خوبی می گیرم و به کارم دلگرم می شوم.

سهیلا شریفی: کجا می توان به اطلاعات بیشتر در مورد این پروژه دست پیدا کرد؟

کریس جانسون: می توان به وبسایت زیر سر زد و اطلاعات بیشتر در مورد این پروژه و زمان انتشار کتاب دریافت کرد. همچنین روی فیسبوک و تویتر و یوتیوب هم می توان به این اطلاعات دست یافت:

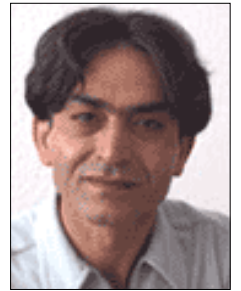
www.theatheistbook.com



100 ATHEISTS SPEAK OUT ON JOY & MEANING IN A WORLD WITHOUT GOD

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!

بازتاب هفته

گوشه ای از واقعیات زلزله
بوشهر از زبان یک امدادگر
غیر دولتی

محمد شکوهی

۴۰۰ متری ورودی شهر شنبه و روستای درویشی آن طرف تر نمی رفت.

این امدادگر به وضعیت نابسامان کمک رسانی به مردم اشاره می کند و تأیید می کند که کمکها دلبخوی و ناکافی بوده و مردم مشکلات زیادی از نظر مسکن، دارو و درمان و بهداشت، مواد غذایی و سایر امکانات زندگی دارند.

رژیم راهها را میبندد و مانع ورود امداد رسانی به منطقه می شود: "از همان روز زلزله، نیروهای دولتی، سه راه ناصری که تنها راه آسفالت ورودی به منطقه زلزله زده است را بستند تا فقط نیروهای دولتی بتوانند وارد این مناطق شوند. همین موضوع در ورودی شهر شنبه و روستای درویشی نیز تکرار شد. به همین دلیل امدادگران غیردولتی ناچار بودند اقلامی را که تهیه کرده بودند تحویل هلال احمر یا نیروهای دولتی دیگر بدهند. این امدادگران تنها در موارد خاص و استثنایی توانستند کمک هایی به مردم برسانند."

جمهوری اسلامی نه تنها خود کمکی به آسیب دیدگان از زلزله نمی کند بلکه به شکل های مختلف برای کمک رسانی مردم مانع ایجاد می کند: "البته تصویر کاذبی که رسانه های دولتی ساختند و وانمود کردند که کمک رسانی به شکل بسیار خوب جریان دارد، باعث شد خیلی از مردم تصور کنند که دیگر نیازی به کمک نیست."

گزارش این امدادگر غیر دولتی از مناطق زلزله زده بوشهر

یاشار سهندی

هفته گذشته بالاخره رضا پهلوی سری تو سرها در آورد، ایشان علاوه بر شاهزادگی اش که حق ابدی خود میدانند تا سرانجام يك روز "پادشاه قانونی" ایران شود، سخنگوی نشست می شد که در پاریس برگزار شد و اسم آنرا "شورای ملی ایران" گذاشتند. این شورا بنا به گفته رضا پهلوی تا برگزاری انتخابات آزاد در ایران بر پاست، بعد ماموریتی ندارد. اما برای انتخابات آزاد به گفته رضا پهلوی و دیگرانی که در این نشست حضور داشتند جمهوری اسلامی باید "انحلال" یابد تا این مثلا انتخابات آزاد معنی داشته باشد. بهرحال آرزو عیب نیست! بحث این یادداشت کوتاه این آرزوها هم نیست.

موضوع این نوشته این است که در هنگام برگزاری این نشست در پاریس "شاهزاده رضا پهلوی" تأکید کرد این نشست با "پول ایرانی" برگزار شده و هزینه اجلاس را برگزار کنندگان و شرکت کنندگان تهیه کردند. مهرداد پارسا مدیر خیر شبکه پارس هم بسیار تأکید داشت که در این نشست "پول ایرانی" مصرف شده است. سوال اینجاست این تأکید فراوان بر ایرانی بودن پول مصرف شده در این اجلاس برای چیست؟ چرا اصولاً برای اپوزیسیون بورژوازی حکومت منبع پول باید حتماً ایرانی باشد. و چرا همیشه به ریا کاری تمام تأکید میکنند پول ایرانی خرج شده است. چرا

گوشه کوچکی از شیادی و دروغگویی مقامات جمهوری اسلامی را نشان می دهد. مردم بدرست کوچکترین اعتمادی به جمهوری اسلامی و نهادهای حکومتی ندارند. حتی سوانح طبیعی نظیر زلزله فرصتهایی

شورای تشکیل شده که اصولاً قرار است به چشم "بیگانگان" بیاید و نشان دهد که بعد از انحلال "حاکمیت کنونی" می توانند سکان قدرت را به دست گیرند، اینقدر اصرار دارند که پول از جنس ریال است نه دلار! چرا این اپوزیسیون هر گاه از تاریخ معاصر این مملکت یاد میکند يك مسئله مهمش زیر بیرق بیگانه رفتن یا نرفتن است و کسانی که گویا زیر بیرق بیگانه بروند "بی ناموسی" ترین کار عالم کردند! چرا این بیگانه که از دید همگی ایشان قرار است فردا سرمایه و تکنولوژی اش را بیاورد تا "چرخ اقتصاد این مملکت" بچرخد، پولش بوی بد میدهد!

از سوی کسانی که چشم امید به "دول بیگانه" دارند تا ایشان را برسمیت شناسند و از آنها طلب حمایت می کنند تا به انتخابات آزاد شان برسند، این بیگانه ستیزی با پول همان دول محترم کاریکاتوری مسخره است از مبارزه طلبی ایشان. اما در این کاریکاتور حقیقتی مهم نهفته است چرا که اساساً به نیروی مردم اعتقاد ندارند و حضور مردم را نشانه هرج و مرج میدانند. این "بیرق بیگانه ستیزی" يك پیام سیاسی مهمی با خود دارد؛ این اصطلاح را از سر "حمیت و غیرت ایرانی" بکار نمی برند، چرا که "سرمایه ایرانی" هنگفت خود را به بانکهای بیگانه سپرده اند، آنرا با پول بیگانه چنج کرده و یا در کمپانی های بیگانه سرمایه گزاری کرده اند تا ارزش آن بیشتر

برای دزدی و چپاول مقامات رژیم فراهم می کند. مردم مناطق زلزله زده بوشهر و حتی آسیب دیدگان زلزله آذربایجان که نزدیک به يك سال قبل اتفاق افتاد، به کمک احتیاج دارند. باید به کمک آنها شتافت. جمهوری اسلامی

سرکوب برای تمام فصول با "پول ایرانی"

شود. این بیرقی است که با آن میتوان خیلی ها حرفها را نزد خیلی سرکوبگری ها را انجام داد چه به صورت نظری تا وقتی که در قدرت نیستند و چه آن روز که قدرت را بدست گرفتند تحت لوای مبارزه با بیگانگان عملاً به اجرا گذارند.

اولین توجه سرکوبگریها در تاریخ معاصر ایران، از سوی تمام دولتهای حاکم متهم کردن وصل بودن مبارزات مردم با "انطرف مرز" بوده و بعد ارتش و سپاه و همه نیروهای امنیتی و انتظامی را به سراغ مردم فرستادند تا با بیرحمی تمام به روی مردم شلیک کنند. پول ایرانی بهانه بسیار خوبی است که نگویند بر سر کارگر و زحمتکش این مملکت چه خواهند آورد. برجسته کردن این موضوع پوشش بسیار مناسبی است هر که فردا خواست حرف بزند اول باید جوابگو باشد که پول از کجا گرفته است بعد حرف بزند! با "پول ایرانی" البته و باید از تجربه بیگانگان برای سرکوب بهره برد. هر چه در این مورد ریال مصرف شود جای دوری نمی رود چون سود سرمایه را تضمین میکند. این اصطلاح که ظاهراً بوی مبارزه جویی میدهد خود یکی از محمل های مهم سرکوبگری برای "ایران فردا" است. همانگونه که ایران دیروز و امروز، در تمام فصول تاریخ این مملکت، مردم به همین بهانه بسیار مورد سرکوب واقع شده اند.

صدمات ناشی از زلزله را چندین برابر برای این مردم تشدید کرده است. باید اوباش رژیم را از این مناطق بیرون راند و اجازه نداد در همبستگی و کمک رسانی گروههای مختلف مردم با آسیب دیدگان زلزله اخلاص ایجاد کنند.

روز جهانی کارگر ۲۰۱۳ در ایران، یک اول مه گسترده

از صفحه ۲

دستمزد کارگر ۴۸۷۰۰۰ تومان - دفاع از معیشت مان عین شرافتمان است - اعتراض سی هزار کارگر به حداقل مزد و اصلاحات ضد کارگری در قوانین کار و تامین اجتماعی.

زیر فشار تجمع کارگران ناگزیر یکی از مشاورین رئیس مجلس شورای اسلامی با دو نفر از نمایندگان کارگران پروین محمدی و اشرف بنائی گفتگو و کارگران اعتراض خود را بر مصوبه دولت مبنی بر میزان حداقل دستمزد سال ۹۲ و خواست لغو این تصمیم را به صورت کتبی به مجلس داده و اعلام داشتند که در هفته آینده پیگیر این اعتراض خود خواهند شد. در این تجمع مامورین امنیتی دو نفر از کارگران جوانی را که اقدام به تصویر برداری از تجمع کرده بودند بازداشت کردند که یکی از آنها آزاد شد اما مامورین انتظامی نفر بعدی را همچنان تحت بازداشت نگه داشتند که همین امر باعث شد کارگران تجمع کننده با ادامه تجمع خود خواهان آزادی وی شوند و پایان تجمع خود را منوط آزادی این کارگر کنند. بدنبال این وضعیت مامورین انتظامی کارگر دستگیر شده را آزاد کردند اما دوربین و کارت شناسایی وی ضبط گردید که مقرر شد یکی از هماهنگ کنندگان طومار اعتراضی کارگران به همراه این کارگر در هفته آینده پیگیر دریافت دوربین و کارت شناسایی وی شوند.

بنا بر گزارشی که به حزب کمونیست کارگری ایران رسیده است، همزمان در محوطه اطراف وزارت کار صدها نفر از کارگران و مردم معترض حضور داشتند و در پیاده روها در حرکت بودند که با دخالت نیروهای سروکوبگر انتظامی که به تدریج پراکنده شدند.

دیدار بهنام ابراهیم زاده با کارگران شهرک صنعتی حسن

آباد فشافویه
یازدهم اردیبهشت روز جهانی کارگر بهنام ابراهیم زاده از چهره های شناخته شده جنبش کارگری ایران در شهرک صنعتی حسن آباد تهران با در دست داشتن گل و شیرینی به دیدار کارگرانی رفت که در این روز مشغول کار بودند. او با استقبال گرم همکارانش روبرو شد. بهنام در این دیدار در مورد دو موضوع دستمزدهای زیر خط فقر و اهمیت تشکلی گفتگو کرد. کارگران نیز از وضعیت دستمزدهای پایین و برخورد کارفرمایان و وضعیت بهداشت و فشارهای اقتصادی و تورم کار خود سخن گفتند. این بخشی از پیام بهنام به مناسبت اول مه در وبلاگ ویژه اوست:

گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر؛ اول ماه مه روز عوامفریبی ملتها و قومها مذاهب نیست علیه همه آنهاست. روز تاکید بر هویت طبقاتی انترناسیونالیستی طبقه کارگر و روز اعتراض به وضع موجود است روز اعتراض به خارج شدن میلیونها کودک از چرخه تحصیل و درس است؛ روز اعتراض به وضع موجود علیه فقر و گرانی و دستمزدهای شرم آور است روز اعتراض زنان و مردانی است که از وضع موجود به تنگ آمده اند و می خواهند این دنیای وارونه را تغییر بدهند ما کارگران اعلام می کنیم که یک جهان دیگر و یک دنیای بهتر هم ضروری و ممکن است.

مراسم کارگران کارخانجات مختلف در محوطه اصلی شرکت پخش سراسری بانی چاو (کانه)

این مراسم ساعت دو عصر روز جهانی کارگر برگزار شد. یک محور مهم اعتراض کارگران، مساله دستمزد چند برابر زیر خط فقر تعیین شده از سوی دولت و گرانی و شرایط برده وار کار و

قراردادهای موقت کاری بود که خطوط اصلی قطعنامه کارگران در این تجمع بود.

کارگران شرکت واحد اول مه را گرامی داشتند

روز ۱۱ اردیبهشت تعدادی از فعالین سندیکای شرکت واحد با حضور در پایانه های اتوبوسرانی تهران و پخش شیرینی مراسم روز جهانی کارگران را برگزار کردند.

از ساعات اولیه صبح امروز به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر، اعضا و فعالین سندیکای کارگران شرکت واحد تهران علیرغم فشارهای حراست و عوامل کارفرما با حضور در پایانه های مختلف اتوبوسرانی تهران اول ماه مه روز جهانی کارگر را گرامی داشتند و با جمع آوری امضا خواهان آزادی رضا شهابی از زندان شدند.

حضور جمع کثیری از اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد تهران در این پایانه ها که توأم با پخش شیرینی و شادباش به مناسبت اول ماه مه و صحبت و گفتگو در باره مطالبات کارگران بود با استقبال چشمگیری از سوی کارگران حاضر در پایانه ها مواجه شد و عوامل حراست نتوانستند مانعی در برابر کارگران ایجاد کنند.

اعضای سندیکای کارگران شرکت واحد تهران و حومه گرامیداشت روز جهانی کارگر را در پایانه آزادی و با حمل پلاکاردی به به مناسبت این روز پایان رساندند و سپس با حضور در میان کودکان کار مورد استقبال فعالین جمعیت کودکان کار و خیابان قرار گرفتند و همراه با این کودکان با خواندن سرودهایی اول ماه مه روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

مراسم اول مه در پارک ملی تهران

بعد از ظهر روز ۱۱ اردیبهشت کارگران شرکت ها و کارخانجات تهران - کرج مراسمی

به مناسبت اول مه روز جهانی کارگر در پارک ملی تهران برگزار کردند. محور سخنرانی ها فقر و گرانی و دستمزدهای زیر خط فقر بود و در آخر نیز قطعنامه کارگران خوانده شد.

بوشهر

ادامه اعتصاب کارگران شرکت صدرا در اول مه و پیام این کارگران به مناسبت روز جهانی کارگر

اول مه اعتصاب بیش از هزار کارگر شرکت صدرا در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد ماههای بهمن و اسفند سال گذشته و فروردین ماه امسال، وارد سومین روز خود شد. کارگران این کارخانه طی بیانیه ای به مناسبت روز جهانی کارگر اعتراض خود را به میزان دستمزد چند برابر زیر خط فقر دولت برای سال ۹۲ اعلام داشته و خواستار پیگیری وضعیت خود شدند. در سرسخ این بیانیه آمده است: "برابر ظلم و جور ساکت نمی نشینیم و فریاد بر می آوریم که هم صدا با دیگر همدردان جامعه کارگری حق خودمان را از حلقوم سرمایه داران بیرون میکشیم"

سنندج:

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است عصر روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت در حالیکه نیروهای سروکوبگر امنیتی و پلیسی رژیم تمامی میادین و خیابانهای اصلی سنندج را قرق کرده بودند، صدها نفر با در دست داشتن پلاکارتهای قرمز که بر روی آن خواستها و مطالبات کارگران نوشته شده بود و با سر دادن شعار "نان مسکن آزادی"، "کارگران جهان متحد شوید"، "کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "زندانی سیاسی آزاد باید گردد" از خیابان غفور به طرف میدان اقبال راهپیمایی کردند. در طول مسیر تعداد بیشتری به آنها پیوستند و هر دم

روز جهانی کارگر ۲۰۱۳ در ایران، یک اول مه گسترده

از صفحه ۸

جمعیت بیشتر میشود. بنا به این گزارش سر دادن شعارها با فریاد جمعیت حاضر در این محل طنین انداز شده بود که در نوع خود بی نظیر بود. راهپیمایان هنوز به میدان اقبال نرسیده بودند که اوباش حکومت شامل نیروهای لباس شخصی و نیروهای انتظامی پیاده و یا سوار بر موتور به آنها حمله کردند و آنها را متفرق کردند. گفته میشود که حداقل ۱۵ نفر از مردم توسط اوباش رژیم دستگیر شده اند. اسم یکی از دستگیر شدگان تیمور امجدی گزارش شده است.

مراسم روز جهانی کارگر در حالی باشکوه برگزار شد که از چند هفته قبل اداره اطلاعات سنندج با احضار و تهدید فعالین و رهبران

شناخته شده کارگری در سنندج از جمله خلیل کریمی، شیث امانی، خالد حسینی، وفا قادری و دیگر فعالین کارگری در شهرهای کردستان قصد ایجاد فضای رعب و وحشت را داشت. کاربدستان رژیم در سنندج تنها به تهدید و احضار فعالین کارگری اکتفا نکرده و با میلیتاریزه کردن خیابانها و گماشتن نیروهای انتظامی، اطلاعاتی، پلیس و لباس شخصیها تلاش کردند کارگران و مردم را از برگزاری روز جهانی کارگر در سنندج محروم کنند. از جمله دو روز قبل از اول مه خلیل کریمی از رهبران کارگری شناخته شده در این شهر را تحت عنوان تلاش برای برگزاری اول مه احضار و دادگاهی کردند و آخر سر نیز قاضی پرونده به او اعلام داشت که پرونده اش را نمی بندد و این پرونده

نزد وی باز است و منتظر مشاهده فعالیتی از جانب او خواهد بود تا حکم ۵ سال زندان را برایش صادر کند. به این ترتیب او را مورد تهدید قرار دادند. همچنین در روز اول مه وزارت اطلاعات رژیم اسلامی طی تماسی با شیث امانی از مسئولین اتحادیه آزاد کارگران در شهر سنندج با اشاره به خواست این اتحادیه مبنی بر برگزاری مراسم روز جهانی کارگر و عدم صدور مجوز از سوی فرمانداری شهر، اعلام کرد که هیچکس نباید در این شهر اقدام به برگزاری مراسم روز جهانی کارگر بکند.

حضور صدها نفر در مراسم روز جهانی کارگر در شهر سنندج و سر دادن شعارهای انسانی و آزادیخواهانه توانست این سد امنیتی و نظامی رژیم را بشکند و بار دیگر تشکلهای، کارگران، فعالین کارگری و مردم مبارز سنندج برگ زرین دیگری بر مبارزات و حرکتیهای اعتراضی خود در روز جهانی کارگر را بر تاریخ مبارزاتی خود حک کردند.

گفتنی است که در جریان مراسم روز جهانی کارگر در سنندج چند نفر دستگیر شدند که اسامی هفت نفر از دستگیر شدگان به این شرح است: ۱- نسترن محمدی ۲- تیمور امجدی، ۳- بختیار چتانی، ۴- بختیار فاتحی کرجو، ۵- محسن محمودی، ۶- بختیار محمودی، ۷- فاتحی. در اعتراض به این دستگیریها صبح روز ۱۲ اردیبهشت تعدادی از فعالین کارگری سنندج و خانوادههای دستگیرشدگان در مقابل دادگاه رژیم در سنندج دست به تجمع زده و خواهان آزادی فوری دستگیرشدگان اول مه شدند. مسئولین دادگاه اعلام کردند که دستگیر شدگان در صورت داشتن

ضامن آزاد خواهند شد. این تجمع به مدت دو ساعت از ساعت ۱۱ تا ۱ بعدازظهر ادامه داشت. طبق خبر منتشر شده روز ۱۲ اردیبهشت نسترن محمدی از دستگیر شدگان اول مه و شاهپور حبیبی از دستگیر شدگان روز بعد از آن که به همراه دو نفر دیگر به اسامی آرام زندی و فردین قادری دستگیر شده بود، به قید وثیقه از زندان آزاد شدند.

همچنین روز ۱۱ اردیبهشت مراسم دیگری به مناسبت روز جهانی کارگر از سوی کارگران خباز در محل سندیکای خبازان برگزار گردید که در این مراسم حدود صد نفر شرکت داشتند.

کامیاران:

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت، روز جهانی کارگر از سوی کمیته برگزار کننده اول مه در کامیاران با شرکت جمعی از کارگران و مردم برگزار شد. جمعی در خارج از شهر و جمعی با پخش و نصب تراکت و شعار در خیابانها و محلات شهر به استقبال این روز رفتند و آنرا گرامی داشتند. لازم به ذکر است که نهادهای ضد کارگری رژیم پیشتر به درخواست فعالین کارگری در کامیاران برای صدور مجوز پاسخ رد داده بودند و تلاش کردند با ایجاد فضای نظامی در سطح شهر مانع از حضور مردم برای برگزاری روز جهانی کارگر شوند.

سقز:

به گزارش کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری روز چهارشنبه ۱۱ اردیبهشت برابر با ۱ مه در میدان هلو مقابل پاساژ ماد در شهر سقز مراسمی در گرامیداشت روز جهانی کارگر برگزار شد. در این

روز جمعی از کارگران شهر سقز که قبل توسط اداره اطلاعات سقز به صورت تلفنی تهدید شده بودند که اگر از منزل خارج شوند، دستگیر خواهند شد. با وجود این جمعی از کارگران از ساعت ۷ بعدازظهر به طرف پارک کودک در خیابان شهدا رفتند و بعد از آن مسیر به طرف میدان آزادی و میدان هلو به شکل راه پیمای حرکت کردند. در اواسط راه نیروهای لباس شخصی به دنبال کارگران به راه افتادند. در جلو پاساژ ماد بالاتر از بانک ملی واقع در میدان هلو یکی از ماموران لباس شخصی به محمود صالحی حمله ور شد که مورد خشم مردم و کارگران حاضر در آن مسیر قرار گرفت. بعد از این واقعه، محمود

صالحی به سخنرانی پرداخت و علت حمله مامور را این چنین تعریف کرد: "مردم شریف و آزاده شهر سقز امروز روز کارگر است و از دیروز تا این لحظه خانه ما در محاصره نیروهای لباس شخصی قرار دارد و از وقتی که ما از منزل خارج شدیم، توسط این ماموران تعقیب می شویم و به هر کجا که سرزدیم این ماموران مزاحم ما شدند. این اذیت و آزار ماموران تنها به این دلیل است که ما کارگر هستیم و می خواهیم روز جهانی کارگر را برگزار کنیم که این اشخاص مانع مراسم ما می شوند. به این ترتیب ماموران لباس شخصی وقتی حضور گسترده مردم را دیدند از آن نقطه دور شدند و مراسم به پایان رسید.

مراسم دیگری نیز در خارج از شهر در منطقه "گانی جشنی" برگزار شد. مراسم در حالی برگزار شد که مامورین تمام منطقه را به محاصره خود در آورده بودند و به کارگران تذکر داده شده بود که ما شما را با دوربین تحت کنترل داریم

ادامه صفحه ۱۰



انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

روز جهانی کارگر ۲۰۱۳ در ایران، یک اول مه گسترده

از صفحه ۹

و باید سریعاً منطقه را تخلیه کنید.

علاوه بر تهران، کرج، سنندج، سقز و بوشهر در شهرهای دیگری چون پاوه، نوسود، نودشه، سقز و میروان و اصفهان از سوی جمعی هایی از کارگران و فعالین کارگری روز جهانی کارگر در مکانهای خارج از شهر و بصورت گلگشت برپا گردید. در اصفهان نیز تعدادی از کارگران از مراکزى چون فولاد مبارکه، مورچه خورت اصفهان، نائین، کرمانشاه و شهرهای اطراف اصفهان در باغ غدیر این شهر تجمع کرده و روز جهانی کارگر را گرامی داشتند.

برپایی مراسم روز جهانی کارگر ۱۳۹۲ در زندان تبریز

بنا بر اخبار منتشر شده روز اول مه، یازده اردیبهشت، در بند هشت کار درمانی در زندان تبریز، به ابتکار محمد جراحی از رهبران شناخته کارگری در این شهر، مراسمی برگزار شد و به گرامیداشت این روز شیرینی توزیع شد. بنا بر این خبر زندانیان این بند، کارگران تحت متادون درمانی هستند و در زندان هم، در کارگاه های کفاشی و تریکوبافی کار می کنند. شرایط کاری و دستمزد در کارگاه های زندان تبریز، در مقایسه با کارگاه های بیرون زندان، بسیار وخیم است. یکی از دلایل تبعید شاهرخ زمانی از زندان تبریز به زندان یزد و سپس رجایی شهر، اعتراض وی به این شرایط وخیم بود. محمد جراحی، در پیامی از زندان تبریز، روز جهانی کارگر را به کارگران و فعالان کارگری، به خصوص شاهرخ زمانی و رضا شهابی، تبریک گفت. محمد جراحی، که در زندان به سرطان تیروئید مبتلا شده، هم اکنون تحت پرتو درمانی قرار دارد. علیرغم تجویز پزشکان

معالج، که طی دوره درمان، استراحت مطلق در منزل را تجویز کرده اند، مقامات زندان و دادگستری تبریز، از مرخصی استعلاجی محمد جراحی، جلوگیری کرده اند

دو نمونه از قطعنامه های درخشان اول مه

قطعنامه کارگران شهر سنندج

در گرامی داشت اول مه

روز جهانی کارگر

امسال در شرایطی مراسم اول ماه مه را برگزار می کنیم که سرمایه داری جهانی با توجه به تداوم بحران ذاتی خود همچنان و به اشکال مختلف طبقه ی کارگر را متحمل فشارهای سنگین برآمده از ساختار فرسوده ی خود نموده است. سیستم سرمایه داری که در طول حیات خویش، و با توجه به خصلت طبقاتی اش و با در نظر داشتن ولع سیری ناپذیرش نسبت به کسب سود، به هیچ وجه حاضر به چشم پوشی از منافع کلان طبقاتی خود نبوده و نخواهد بود، به اشکال مختلف سعی در خروج از گرداب بحران اقتصادی و برون رفت از چالش های مالی خویش نموده، تا به نحوی تداوم حیات خود را در سایه ی هر چه بی حقوق تر کردن طبقه ی کارگر بازتولید نماید. اخراج و بیکارسازی های گسترده، حقوق های چند برابر زیر خط فقر، افزایش ساعات کار، کاستن از استانداردهای زندگی و خدمات اجتماعی تنها بخشی از یورش وسیع سرمایه به زندگی و معیشت توده ی کارگران می باشد که فقر و فلاکت بیشتر را برای آنان به ارمغان آورده است.

شکاف عمیق طبقاتی که محصول بی چون و چرای سرمایه داری می باشد هر روز در حال عمیق تر شدن است. نظام سرمایه سالار ثروت بی کران را در همسایگی فقر بی کران قرار داده، و بی اعتنا به شرایط زیستی فرودستان زمینه ی همزیستی

تمامی هم طبقه ای هایمان در سراسر جهان به طرح خواست ها و مطالباتمان بپردازیم و این روز را گرامی بداریم.

لذا ما کارگران سنندج بخشی از خواست ها و مطالباتمان را به شرح زیر اعلام می داریم:

۱- به رسمیت شناختن روز جهانی کارگر به عنوان تعطیل رسمی، و حق برگزاری آزادانه ی مراسم های این روز.

۲- لغو حداقل دستمزد تعیین شده توسط شورای عالی کار برای سال ۹۲، و افزایش حداقل دستمزدها برابر و متناسب با تورم واقعی در جامعه.

۳- به رسمیت شناختن حق ایجاد تشکل های مستقل و خود ساخته ی کارگری و منع تعقیب و پیگرد فعالین کارگری.

۴- لغو قراردادهای موقت و سفید امضا و به رسمیت شناختن قرارداد دسته جمعی و دائم، و همچنین انحلال شرکت های دلالی و کارفرمایی.

۵- پرداخت به موقع حقوق و دستمزدها، و جرم دانستن به تعویق انداختن آن، و پرداخت خسارت ناشی از آن به کارگران.

۶- ایجاد شغل برای کلیه ی افراد آماده به کار، و ممنوعیت اخراج و بیکارسازی، و پرداخت بیمه ی بیکاری کافی به کلیه ی کارگران بیکار و آماده به کار.

۷- منع کار کودکان، و تلقی به کار گیری کار آنان به مثابه ی جرم.

۸- پرداخت دستمزد برابر در مقابل کار برابر زن و مرد.

۹- ایجاد امنیت شغلی و همچنین تضمین محیط امن و بهداشتی در محل کار برای کارگران.

۱۰- ایجاد فضای امن و به رسمیت شناختن کار کارگران مهاجر، و منع تبعیض و اخراج آنان.

۱۱- آزادی فوری و بی قید و شرط کارگران پیشرو و فعالین کارگری در بند از جمله رضا شهابی - شاهرخ زمانی - محمد جراحی - بهنام ابراهیم زاده - رسول بدایغی - پدرام نصراللهی - علی آزادی -

غالب حسینی و ...
گرامی باد اول ماه مه روز همبستگی طبقاتی کارگران کارگران شهر سنندج - اول ماه مه

قطعنامه اتحادیه آزاد کارگران ایران

به مناسبت اول ماه مه

بار دیگر اول ماه مه روز جهانی کارگر از راه رسید. بیش از یکصد سال است که در این روز میلیونها کارگر در سرتاسر جهان فریاد عدالت خواهی سر میدهند تا نوید بخش رهایی جامعه ی بشری از درد و رنج و مصائبی باشند که مالکیت اقلیتی ناچیز بر ثروتهای عظیم اجتماعی بر میلیاردها انسان تحمیل کرده است.

فقر و بیکاری و بی خانمانی، جنگ و کشتار، تن فروشی تا کار کودکان برای لقمه ای نان و گرسنگی میلیاردها انسان در سرتاسر جهان تا مرگ روزانه ی هزاران کارگر در نتیجه سوانح ناشی از کار، تا سرکوب و زندان و به گلوله بستن کارگران و دهها جنایت و مصیبت دیگر، همه و همه صحنه ها و تصاویری تکانهنده از سیمای جهانی است که انسان قرن ۲۱ در آن زندگی میکند.

در ایران نیز شرایط به همینگونه و حتی مصیبت بارتر از آن چیزی است که در سطح جهانی شاهد آئیم. کارگران ایران امروزه بطور بی سابقه ای در بدترین شرایط معیشتی در طی سه دهه گذشته قرار گرفته اند. تورم و گرانی و بی حقوقی کارگران بیداد میکند. شرایط حاضر آنچنان غیر انسانی است که گذشته از فقر و فلاکت موجود و تحمیل دستمزد زیر خط فقر بر کارگران، همین دستمزد نیز تا ماهها پرداخت نمیشود و بی هیچ شرم و پرده پوشی، گرسنگی مطلق بر هزاران خانواده کارگری تحمیل میگردد، هر روزه صدها و هزاران کارگر بسادگی و بدون هیچ تأمینی از کار خود اخراج میشوند، اما و با

روز جهانی کارگر ۲۰۱۳ در ایران، یک اول مه گسترده

از صفحه ۱۰

اینحال دولت در صدد اصلاح قانون کار برای تسهیل اخراج کارگران نیز بر میاید، هزینه های زندگی بی آنکه چشم اندازی برای جلوگیری از چندین برابر شدن آن وجود داشته باشد بطور دائمی و افسار گسیخته ای در حال افزایش است با اینحال حداقل مژدی که برای گذران زندگی و معیشت میلیونها خانواده کارگری به تصویب میرسد چنان ناچیز و خفت بار است که حتی کفاف اجاره بهای آلودگی را نیز در فقیر نشین ترین محلات شهرها نمیدهد و در یک کلمه، زندگی و معیشت میلیونها خانواده کارگری با سرعت بالائی در حال رانده شدن از خط فقر به خط مرگ است.

از نظر کسانی که امروزه در ایران شرایط طاقت فرسای کنونی را بر میلیونها کارگر تحمیل کرده اند، کارگر برده ای است که هم باید دستمزدش سه چهار برابر زیر خط فقر باشد و هم باید در سکوت و خاموشی به فقر و گرسنگی تن دردهد. اما و با تمام فشارهای اقتصادی و روانی و علیرغم همه محدودیتها و ممنوعیتها و سرکوبی حق خواهی کارگران، آنان هیچگاه تسلیم شرایط موجود نشده اند و با عزمی راسخ در دفاع از حق حیات شان قدم در راه بر پائی تشکلهای مستقل خود گذاشته و هر لحظه و هر روزه با اعتصاب و تجمع به دفاع از زندگی و معیشت خود برخاسته اند. این مبارزات بویژه طی سالهای گذشته از آنچنان برجستگی بر خوردار بوده است که در شرایط حاضر و بر بطن کل معادلات اقتصادی اجتماعی موجود، جنبش کارگری اصلی ترین و عظیم ترین جنبشی است که امروزه رهایی از قید هر گونه بی

عدالتی در ایران با آن گره خورده است و مطالبات کارگران تبدیل به نماینده انسانی ترین خواستههایی شده است که مردم ایران در طول یک قرن گذشته برای آن جانفشانی کرده اند.

لذا ما کارگران این مطالبات را یکبار دیگر در گرامیداشت اول ماه مه روز جهانی کارگر با صدائی رساتر از همیشه فریاد میزنیم و خواهان تحقق فوری آنها برای برون رفت از وضعیت مصیبت بار کنونی هستیم:

۱- سهم کارگران از زندگی، معیار پیشرفت، انسانیت و رفاه و خوشبختی در هر جامعه ای است. از نظر ما حداقل مزد مصوب در شورای عالی کار تحقیر معیشتی میلیونها خانواده کارگری بود، این مصوبه باید فوراً ملغی شود، تورم و گرانی باید متوقف گردد و حداقل مزد کارگران باید بر اساس اجرای بی کم و کاست ماده ۴۱ قانون کار تعیین شود.

۲- آزادی بی قید و شرط برپایی تشکلهای مستقل کارگری، اعتصاب، تجمع، راهپیمائی، آزادی احزاب و آزادی بیان و مطبوعات باید به عنوان حقوق خدشه ناپذیر کارگران و عموم توده ها مردم ایران به رسمیت شناخته شوند

۳- ما با محکوم کردن تداوم سیاست بازداشت و اعمال فشار بر کارگران معترض، خواهان لغو مجازات اعدام و آزادی فوری و بی قید و شرط کلیه کارگران دربند و دیگر جنبش های اجتماعی از زندان و توقف فوری پیگردهای قضایی بر علیه آنان هستیم

۴- کلیه لوایح اصلاحی دولت بر قوانین کار و تامین اجتماعی باید به کنار گذاشته شود و هر گونه تغییری در این قوانین باید با دخالت مستقیم و بلاواسطه

نمایندگان منتخب مجامع عمومی کارگران صورت بگیرد

۵- ما خواهان محو قراردادهای موقت و سفید امضا، اجرای فوری بیمه تمامی کارگران ساختمانی، بر چیده شدن شرکتهای پیمانکاری و انعقاد قرارداد مستقیم و دسته جمعی، تامین امنیت شغلی کارگران و رعایت بالاترین استاندارد های بهداشتی و ایمنی در محیطهای کار و زندگی هستیم

۶- دستمزدهای معوقه کارگران باید فوراً و بی هیچ عذر و بهانه ای پرداخت شود و عدم پرداخت آن بایستی به مثابه یک جرم قابل تعقیب قضائی تلقی گردد و خسارت ناشی از آن به کارگران پرداخت شود

۷- اخراج و بیکار سازی کارگران به هر بهانه ای باید متوقف گردد و تمامی کسانی که بیکار شده و یا به سن اشتغال رسیده اند باید تا زمان اشتغال به کار از بیمه بیکاری متناسب با یک زندگی انسانی برخوردار شوند. ما بیمه های تامین اجتماعی را حق مسلم تمامی آحاد مردم ایران میدانیم و خواهان اداره

این نهاد بدست نماینده های منتخب مجامع عمومی کارگران در سراسر کشور هستیم

۸- ما خواهان لغو کلیه قوانین تبعیض آمیز نسبت به زنان و تضمین برابری کامل و بی قید و شرط حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و خانوادگی هستیم

۹- ما خواهان برخورداری تمامی بازنشستگان از یک زندگی مرفه و بدون دغدغه اقتصادی و رفع هرگونه تبعیض در پرداخت مستمری بازنشستگان و بهره مندی حداکثری آنان از تامین اجتماعی و خدمات درمانی هستیم

۱۰- کار کودکان باید بریافتند و تمامی کودکان باید جدا از موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانوادگی شان، نوع جنسیت و وابستگی های ملی و نژادی و مذهبی از تامین اجتماعی گسترده و امکانات آموزشی رفاهی و بهداشتی یکسان و رایگان برخوردار شوند

۱۱- ما با حمایت قاطعانه از مبارزات و اعتراضات مردمی در تمامی نقاط جهان، سرکوب این اعتراضات و بند و بست دولتها از

بالای سر مردم، تحریمهای اقتصادی و ایجاد فضای جنگی از سوی هر نیرو و دولتی را بویژه در منطقه بحران زده خاورمیانه قویا محکوم میکنیم

۱۲- کارگران مهاجر در ایران از ابتدائی ترین حقوق انسانی خود محروم هستند. ما با محکوم کردن هر گونه ستم و تبعیض نسبت به کارگران مهاجر، خواهان برخورداری آنان از حقوق برابر شهروندی با مردم ایران هستیم

۱۳- ما از اعتراضات کارگری در کشورهای اروپایی و سایر نقاط جهان قویا حمایت میکنیم، خود را متحد آنان میدانیم و بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین المللی کارگران تاکید می کنیم

۱۴- اول ماه مه باید تعطیل رسمی اعلام گردد و در تقویم رسمی کشور گنجانده شود و هر گونه ممنوعیت و محدودیت برگزاری مراسم این روز ملغی گردد

زنده باد همبستگی سراسری کارگران ایران - زنده باد همبستگی بین المللی طبقه کارگر اتحادیه آزاد کارگران ایران - اول مه ۲۰۱۳ - ۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۲



به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!

دستگیر شدگان اول مه سندج هرچه زودتر باید آزاد شوند

بنا به خبری که به کمیته کردستان حزب رسیده است در جریان مراسم روز جهانی کارگر در سندج چند نفر دستگیر شدند که اسامی هفت نفر از دستگیر شدگان به این شرح است: ۱- نسترن محمدی ۲- تیمور امجدی، ۳- بختیار چتانی، ۴- بختیار فاتحی کرجو، ۵- محسن محمودی، ۶- بختیار محمودی، ۷- فاتحی. در اعتراض به این دستگیری ها صبح امروز تعدادی

از فعالین کارگری سندج و خانواده های دستگیرشدگان در مقابل دادگاه رژیم در سندج دست به تجمع زدند و خواهان آزادی فوری دستگیرشدگان اول مه شدند. مسئولین دادگاه اعلام کردند که دستگیر شدگان در صورت داشتن ضامن آزاد خواهند شد. تجمع کنندگان اعلام کردند که در صورتی که عزیزانشان را آزاد نکنند به تجمعات اعتراضی خود ادامه خواهند داد. این تجمع به

مدت دو ساعت از ساعت ۱۱ تا ۱ بعدازظهر ادامه داشت. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری یکبار دیگر به همه شرکت کنندگان در مراسم روز جهانی کارگر در سندج درود می فرستد و از مردم مبارز شهر سندج سرخ می خواهد که با همان عزم و اراده محکمی که در روز ۱۱ اردیبهشت از خود نشان دادند، به تجمعات اعتراضی خود ادامه داده و خواهان آزادی بدون

قید و شرط دستگیر شدگان روز ۱۱ اردیبهشت شوید. نباید دست از سر رژیم برداشت. تجمع اعتراضی و راهپیمایی علیه وضعیت فلاکتباری که جمهوری اسلامی و نظام کثیف سرمایه داری بر مردم تحمیل کرده است و شرکت در مراسم های روز جهانی کارگر، حق مسلم و بی چون و چرای مردم است. لازم به توضیح است که در اطلاعیه قبلی کمیته کردستان

حزب به شعار "کار، مسکن، آزادی" اشاره شده بود که اصل شعار این بود: "نان، مسکن، آزادی". همچنین مسیر راهپیمایی بجای خیابان غفور بطرف میدان اقبال، به طرف میدان غفور بوده است.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری
۲ مه ۲۰۱۳
۱۲ اردیبهشت ۹۲

کارگران در برابر آیت الله ها!

از صفحه ۱

میشود، که بورژوازی از حکومت شاه دست کشید و پشت سر خمینی رفت زیرا شاه قادر نبود انقلاب ۵۷ را سرکوب کند. این وظیفه بر عهده جنبش اسلامی و خمینی و طیف وسیع ملی اسلاميون (از جبهه ملی تا حزب توده) و با حمایت فعال بی بی سی و صدای آمریکا سپرده شد. عبا و عمامه و شمشیر ذالفقار آیت الله ها در راس جنبش ملی اسلامی تنها سنگر ممکن آنوقت برای بورژوازی بود که ولو با بی میلی در آن خزید. اما این پایان کار نبود ... آیت الله ها برای سرکوب کارگران که ستون فقرات انقلاب ۵۷ را تشکیل میدادند روز به روز بیشتر به جلوی صحنه رانده شدند و در هر قدم مجبور شدند برای انجام این وظیفه طبقاتی بصورت "انقلابی" یعنی بصورت "غیر متعارف" عمل کنند. و این داستان همچنان ادامه دارد.

بازجویی رئیس جمهورش ورد زبانها است، درست در این فضا، کارگران در جلوی مجلس اسلامی در تهران جمع شدند و خواسته های خود را طلب کردند و در تظاهراتی شجاعانه به مناسبت اول مه فریاد "اتحاد" و "آزادی زندانیان سیاسی" و "نان مسکن آزادی" در خیابانهای سندج سر دادند که معمولا امنیتی تراز هر جای ایران است. این حرکات البته تنها شاخصترین نمونه ها از تلاشهای گسترده تری بود که امسال در چند شهر در گرامیداشت اول مه از سوی کارگران و تشکل های مختلف شان صورت گرفت. و کل این جنب و جوش و جسارت اول مه، به نوبه خود تنها انعکاسی بود از اعتصابات و اعتراضات گسترده کارگران که هر روز در گوشه و کنار کشور جریان دارد.

کارگران در برابر آیت الله ها! این است جوهر اوضاع سیاسی ایران در پایه ای ترین سطح. اول مه امسال یکبار دیگر این واقعیت را بوضوح و بطور سمبلیک در برابر ما قرار میدهد.

تمام تلاش هایی که از جمله در دوره خاتمی و "گفتگوی تمدنها" یش و بازم با پامنبری بی بی سی و صدای آمریکا صورت گرفت، نتوانست جمهوری اسلامی "غیر متعارف" را "اصلاح" کند و ذره ای به جاده اصلی و متعارف بورژوازی بازگرداند. این رژیم همچنان باید بصورت "انقلابی" عمل کند و شمشیر اسلام و ترور و تهدید را بالای سر جامعه و خودش

این ارزیابی البته میتواند به "ذهنی گری" و "ایدئولوژیک" متهم شود. اما غالباً فراموش میشود و یا روی این واقعیت خاک پاشیده

وضع موجود و تغییر تدریجی جمهوری اسلامی است و این طبقه کارگر است که نماینده جامعه در رهایی قطعی از شر جمهوری اسلامی و اوضاع موجود است. دقیقا به این اعتبار است که اول مه کارگران و پرچم های سرخ و شعار "اتحاد اتحاد" آنها از یکسو، و استیصال و دعوی آیت الله از سوی دیگر، دارد کنه اوضاع سیاسی ایران را بیان میکند.

پرچم های سرخ و جسارت کارگران در اول مه گرچه غرور آفرین و امید بخش است، اما نمی تواند مایه خوش خیالی و رضایت خاطر باشد. همه خوب میدانیم که کارگران برای نجات خود و جامعه از شر جمهوری اسلامی کاری بسیار سترگ و سخت در پیش دارند. آنها باید بتوانند نه فقط صفوف خود را

تکان تکان دهد. کار به آنجا رسیده است که حتی امثال خاتمی و رفسنجانی را هم نمی تواند تحمل کند و "نخست وزیر امام" را در حبس خانگی و طیف اصلی سازندگان جمهوری اسلامی و بینانگذازان سپاه پاسداران و وزارت اطلاعات (یعنی اصلاح طلبان) را در زندان کرده است. و جالبتر این است که بورژوازی جهانی (به رهبری آمریکا) گرچه گوشه چشمی به اپوزیسیون بورژوازی جمهوری اسلامی (اعم از سلطنت طلب و جمهوریخواه) دارد ولی اساسا همچنان امیدش را به معامله و مصالحه با خامنه ای و کنار آمدن با جمهوری اسلامی با وجود همه نزاع آیت الله هایش بسته است. یعنی کماکان این حکم صادق است که بورژوازی اساسا امیدش به حفظ

در سطح سراسری و در ورای تفرقه های قومی و هویت های کاذب متحد کنند، نه فقط در راس کل اعتراض اجتماعی در ایران قرار گیرند و بقول مانیفست کمونیست به "طبقه رهنمون ملت" تبدیل شوند، بلکه تنها نیروی اجتماعی هستند که میتوانند و باید در جریان سرنگونی و جایگزینی جمهوری اسلامی به هیچ نیروی بورژوایی و ماجراجوی منطقه اجازه ندهند تا ایران را به صحنه تکرار سناریوهایی نظیر سوریه ای کردن جامعه تبدیل کنند.

دست تک تک کارگران و مردم آزاده شرکت کننده در صف پرغرور اول مه را به امید اینکه بتوانیم کمک حزیمان از پس این وظیفه "هرکولی" براییم، به سهم خود میفشارم. (۳ مه ۲۰۱۳)



در آستانه اول ماه مه هزاران کارگر در ایران دست به اعتصاب زدند

صبح روز دهم اردیبهشت بیش از ۱۰۰۰ کارگر شرکت‌های پیمانکاری زیر مجموعه شرکت صدرای بوشهر دست به اعتصاب زدند. کارگران خواهان پرداخت فوری دستمزد سه ماه خود هستند. اتحادیه آزاد کارگران ایران می‌گوید که در پی این اعتصاب بزرگ نماینده های شرکت‌های پیمانکاری با حضور در میان کارگران از آنان خواستند تا به اعتصاب خود پایان دهند اما کارگران بطور متحده ای بر تحقق خواست شان مبنی بر پرداخت دستمزدهای معوقه خود پای فشردند و حاضر به پایان این اعتصاب نشدند. بنابراین این وضعیت مسئولین شرکت‌های پیمانکاری برای شکستن اعتصاب کارگران اقدام به تعطیلی کارگاهها کردند و شرکت ساحل سازان جنوب با فراخواندن سرویس ایاب و ذهاب کارگران، آنان را مجبور به ترک محل کارخانه نمود تا بپنوسیه کارگران ناچار به بازگشت بکار شوند اما علیرغم این فشارها اعتصاب همچنان ادامه دارد.

کارگران شهرداری اهواز دست به تجمع زدند. صبح روز دهم اردیبهشت کارگران خدماتی فضای سبز منطقه دو ناحیه ۳ شهرداری اهواز دست به اعتصاب و تجمع اعتراضی در پارک کوثر اهواز، مقابل ساختمان دفتر شرکت پیمانکاری ساحل سبز خوزستان زدند و خواهان پاسخ قاطع و فوری مسئولین شدند. کارگران خواهان پرداخت فوری دو ماه حقوق و سایر مزایای معوقه خود هستند. پرداخت حق بیمه تعدادی از کارگران، حق لباس، فیش های حقوقی ۱۵ سال گذشته از دیگر مطالبات کارگران است. بسیاری از کارگران خدماتی فضای سبز در سایر شهرداریهای خوزستان نیز با مشکل عدم دریافت حقوق مواجه هستند.

ویژه از یکشنبه شب دروازه ورودی این مجتمع باز شد اما تحصن و اعتصاب کارگران ادامه دارد. ۲۴۰۰ کارگر مس خاتون آباد و میدوک خواهان عقد قرارداد مستقیم با صاحبان این مجتمع ها و برچیدن بساط پیمانکاران هستند. کارگران شهرداری شوشتر ۱۱ روز است در اعتصاب به سر میبرند و هرروز در مقابل ساختمان موتور شهرداری شوشتر دست به تجمع میزنند. کارگران شهرداری شوشتر از ۹ تا ۱۱ ماه حقوق نگرفته اند و خواهان پرداخت کلیه حقوق ها و مزایای معوقه خود هستند. اعتصاب ۱۲۰۰ کارگر نورد لوله صفا در سوم اردیبهشت، تحصن کارگران کارخانه فارسیت در فرمانداری درود، تجمع اعتراضی کارگران قند اهواز در مقابل استانلاری، تجمع کارگران کاشی رویال سمنان در مقابل استانلاری، تجمع کارگران راه آهن یزد مقابل استانلاری، تجمع اعتراضی جمعی از کارگران بازنشسته و

شاغل پالایشگاه آبادان مقابل وزارت نفت در تهران، تجمع کارگزاران مخابرات روستایی جلوی مجلس اسلامی از جمله اعتصابات دیگر در روزهای گذشته است. علاوه بر این در محل حضور احمدی نژاد در هویزه در خوزستان کارگران با شعار علیه ییکاری به اعتراض برخاستند. تعدادی از کارگران و بازنشستگان تهران در جریان سخنرانی مقامات حکومت در سالن دانشگاه علمی کاربردی خانه کارگر امروز ۱۰ اردیبهشت دست به اعتراض زدند و جلسه را به تشنج کشاندند. کارگران و بازنشستگان به طرح مشکلات مختلف خود مانند دستمزدهای نازل، عدم اجرای طرح همسان سازی، نادیده گرفته شدن سنوات بازنشستگان و فقر و گرانی و سایر مشکلات اقتصادی و اجتماعی پرداختند و نگذاشتند مقامات حکومتی با خیال راحت و راجی کنند طبق گزارشی که به ما رسیده است، سخنرانانی از شورای عالی کار برای خالی نبودن عریضه مطرح کردند که به دیوان عدالت اداری علیه شورای عالی کار شکایت کرده ایم اما کارگران حاضر در این میتینگ اعلام کردند کاری به شکایت شما نداریم اگر در حداقل دستمزدها تجدید نظری صورت نگیرد به خیابان میرزیم

در جلسه دیگری در تهران که توسط مزدوران کانون شوراهای عالی کار و با شرکت رئیس اداره کار، رئیس اداره بیمه و معاون بیمه و درمان تشکیل شده بود، تعدادی از کارگران، همزمان با سخنرانی مقامات شروع به صحبت کردند و میتینگ دولتی را به يك تجمع اعتراضی تبدیل کردند. اینها گوشه ای از اعتصابات و اعتراضات کارگری در روزهای گذشته است. همین موارد بر نقش کلیدی کارگران علیه فقر و فلاکی که جمهوری اسلامی بر اکثریت مردم تحمیل کرده و بلند کردن پرچم خواست های آزادیخواهانه مردم علیه حکومت نکبت اسلامی تاکید می‌کند. کارگران ستون فقرات انقلاب برای رهائی از شر حکومت اسلامی و نظام ضدانسانی سرمایه داری هستند. با تمام قوا از اعتراضات و خواست های بحق آنان پشتیبانی کنیم. گرامی باد اول ماه مه روز جهانی کارگر زنده باد سوسیالیسم حزب کمونیست کارگری ایران ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۲ ۳۰ آوریل ۲۰۱۳

کارگران خاتون آباد کمر راست میکنند

کارگران ذوب مس خاتون آباد از روز چهارشنبه ۴ اردیبهشت دست به اعتصاب زدند، دروازه ورودی کارخانه را به مدت ۵ روز بستند و جلوی ورود مواد اولیه و کنسانتره به این مجتمع را گرفتند و کارخانه را به تعطیلی کشاندند. اوباش یگان ویژه رژیم یکشنبه شب به مقابله با کارگران برخاستند و دروازه ورودی به کارخانه را باز کردند اما کارگران از روز دوشنبه ۱۹ اردیبهشت، در داخل کارخانه دست به تحصن زدند. ۲۴۰۰ کارگر مجتمع مس خاتون آباد و میدوک، خواهان جمع کردن بساط پیمانکاران و عقد قرارداد مستقیم با صاحبان این دو کارخانه و اجرای فوری مفاد قرارداد هستند. در سالهای گذشته نیز کارگران این دو مجتمع همراه با بازنشستگان و کارکنان این مجتمع ها بارها دست به اعتراض زده و خواهان احقاق حقوق خود

شده اند. در ادامه این اعتراضات، شرکت سرمایه گذاری مس دو سال قبل طبق قراردادی با ۲۴۰۰ کارگر این دو مجتمع، وعده داد که پس از یکسال کارگران را استخدام کند اما پس از گذشت یکسال و نیم، این وعده عملی نشده و خواست کارگران بی پاسخ مانده است. یادآوری کنیم که در ۴ بهمن سال ۸۲ کارگران مس خاتون آباد در اعتراض به اخراج ۲۰۰ نفر از کارگران این مجتمع همراه با اعضای خانواده های خود دست به تحصن و راهپیمایی به طرف شهر بابک زدند و جمهوری اسلامی در اقدامی جنایتکارانه کارگران را از هوا و زمین به رگبار بست و ۴ نفر از کارگران به نام ریاحی، جاویدی، مهدوی و مومنی را به قتل رساند، تعدادی از کارگران را مجروح و تعدادی را دستگیر کرد. در جریان این بورش جنایتکارانه همچنین

دانش آموزی به نام پور امینی جان باخت. طبق گزارش یکی از رسانه های مجاز داخل کشور، در سالهای گذشته کارگران این مجتمع بارها دست به اعتراض زده اند. اعتصاب و بستن دروازه ورودی کارخانه در يك هفته گذشته یکی از نقاط اوج این مبارزات است که نشان میدهد کارگران قدرتمندتر از قبل خود را آماده نبرد با کارفرمایان و حکومت کرده اند. این مبارزه در کنار مبارزات کارگران در مراکز بزرگ کارگری مانند صنایع فلزی تهران، کارخانه های نورد لوله صفا و پروفیل سازه در اراک، پتروشیمی های ماهشهر، راه آهن یزد، کشت و صنعت و نیشکر هفت تپه، ایران صدرای بوشهر و لوله سازی و شهرداری اهواز و دزفول و دهها و صدها مرکز کارگری دیگر در نقاط مختلف کشور، در عین حال بخوبی موقعیت ویژه جنبش کارگری در مبارزه

عمومی مردم ایران علیه جمهوری اسلامی و شرایط نکتبستاری که به اکثریت جامعه تحمیل کرده است، را نشان میدهد. مبارزه کارگران خاتون آباد در آستانه روز جهانی کارگر از هر نظر شایسته بیشتین حمایت و همبستگی از جانب کل مردم به جان آمده است. خبرسانی منظم از مبارزه کارگران مجتمع های مس خاتون آباد و استان کرمان، پیام های پشتیبانی از آنها و ایجاد کمیته ها و کانون های همبستگی با آنها از جمله اقداماتی است که جا دارد از جانب کارگران مراکز کارگری، تشکل های کارگری، فعالین مدیای اجتماعی و بخش های مختلف مردم آزادیخواه در دستور قرار گیرد. حزب کمونیست کارگری حمایت قاطع خود را از مبارزه کارگران مس خاتون آباد و میدوک اعلام میکند و کارگران مراکز مختلف در این منطقه را به اعتراضات متحد و یکپارچه فرامیخواند. حزب کارگران مجتمع های مس خاتون آباد و میدوک

را به تشکیل مجمع عمومی و مبارزه متحد و یکپارچه فرامیخواند. کارگران خاتون آباد در سال ۸۲ راهپیمایی خود توده وسیع مردم روستاهای اطراف و شهر بابک را به حمایت از خود کشاندند. امروز در شرایط بسیار مساعدتری این توان را دارند که هزاران نفر از مردم را در کنار خود به میدان آورند و کل شهر را به حرکت درآورند. حزب از مردم محروم و ستمدیده شهر بابک و بویژه از اعضای خانواده های کارگران این مراکز میخواند که قاطعانه از مبارزه کارگران خاتون آباد حمایت کنند و در تجمعات و راهپیمایی اعتراضی آنان فعالانه شرکت کنند. زنده باد مبارزه حق طلبانه کارگران خاتون آباد گرامی باد خاطر کارگران خاتون آباد که در سال ۸۲ توسط جمهوری اسلامی به قتل رسیدند حزب کمونیست کارگری ایران ۱۰ اردیبهشت ۱۳۹۲ ۳۰ آوریل ۲۰۱۳

دومین کنفرانس انتقادی به همکاری و مماشات دولت آلمان با سازمانهای اسلامی، برلین ۱۱ و ۱۲ ماه مه ۲۰۱۳



کردیم و اکنون دومین آن در برلین سازمان می یابد. کنفرانس انتقادی اسلام در روزهای ۱۱ و ۱۲ ماه مه است و در روز ۱۰ ماه مه در سینمای هاگشه هوفه فیلمی در مورد ایران نشان داده میشود و در پایان گفتگو و دیدار با مهمانان کنفرانس انتقادی اسلام خواهد بود. سخنرانان کنفرانس:

حامد عبدالصمد، مینا احدی، لاله آگون، نجلا کلهك، هارتموت کراوس، فیلیپ مولر، فولکر پانتزر، میشائیل اشمیت سالمون، مارکوس تیده من، آرزو توکر، علی اوتلو، ولفگانگ ولش و ...
بهمراه این اطلاعیه بروشور آلمانی و برنامه تکمیل شده را برای اطلاع شما میفرستیم.

شورای مرکزی اکس مسلم - آلمان
۲ ماه مه ۲۰۱۳

دولت آلمان با سازمانهای اسلامی از چندین سال قبل کنفرانس اسلام را سازمان میدهد. در این کنفرانس با نمایندگان سازمانهای مرتجع اسلامی در مورد مقدرات میلیونها نفر پناهنده و مهاجر از کشورهای اسلام زده صحبت میکنند و ظاهرا قرار است با دادن امتیاز به سازمانهای اسلامی و با ساختن مساجد و تدریس اسلام و مماشات با حجاب کودک و یا سکوت در مقابل نوعی از آپارتاید جنسیتی، اسلام را در آلمان انتگره کنند. کنفرانس اسلام قرار است در روز ۷ ماه مه در برلین برگزار شود و کنفرانس انتقادی اسلام در روزهای ۱۰ و ۱۱ ماه مه است. ما به این سیاست دولت آلمان معترضیم و در سال ۲۰۰۸ اولین کنفرانس انتقادی اسلام را برگزار

تلفن تماس با حزب در خارج از کشور

اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

تلفن تماس با حزب از ایران شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده

۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

آدرس پستی:

I.K.K, Box: 2110,
127 02 Skärholmen - Sweden

همایش بزرگ علیه اعدام در تورنتو - کانادا

برنامه و یا ارسال پیام به آنجا نشان دهند که علیه اعدامها در ایران بوده و از جنبش علیه اعدام و نهاد مادران علیه اعدام حمایت میکنند.

در اینجا پوستر این برنامه را مشاهده میکنید:
کمیته بین المللی علیه اعدام
۳۰ آوریل ۲۰۱۳

روز شنبه ۱۸ ماه می در شهر تورنتو کانادا به دعوت "نهاد مادران علیه اعدام" يك همایش بزرگ علیه اعدام برگزار میشود. در این مراسم که همزمان با دومین سالگرد اعدام دو فرزند جان باخته مهوش علاسوندی و بیژن فتحي، محمد و عبدالله فتحي است، از همه سازمانهای علیه



به نام عشق و انسانیت

همایش علیه اعدام و در ستایش زندگی

جمهوری اسلامی در بیش از سه دهه حیات ننگین خود، هزاران نفر از انسان های شریف و آزاده را به بهانه های مختلف اعدام کرده است. اعدام همواره وسیله ای بوده که رژیم اسلامی از آن برای ارعاب جامعه بهره برده است.

اعدام به هر بهانه ای جنایت علیه بشریت و قتل عمد می باشد.

من، مهوش علاسوندی مادر دو سر به دار، محمد و عبدالله فتحي در دومین سالگرد اعدام فرزندانم، برگزاری همایشی علیه اعدام را تدارک دیده ام و با کمال احترام از تمامی شخصیتها، احزاب، سازمان ها و گروه های مبارز و مخالف اعدام دعوت میکنم تا به منظور گرامیداشت این عزیزان، با هم یکصدا شده تا بتوانیم صدای اعتراض نه به اعدام را هرچه رساتر اعلام کرده و یک کام دیگر به سوی لغو مجازات اعدام نزدیک تر شویم.

سخنرانان: مینا احدی، مهوش علاسوندی، بیژن فتحي و برخی از فعالین سیاسی



همراه با:

1. برگزاری نمایشگاه عکس علیه اعدام
2. نمایش فیلم دو برادر کاری از یوسف اکرمی

زمان:

18 می 2013 از ساعت 2:00 تا 6:00 عصر

مکان:

سالن اجتماعات مل لست من، نورث یورک، تورنتو، کانادا

5100 YONG STREET, NORTH YORK CIVIC CENTRE, CHAMBER COUNCIL HALL, TORONTO

این برنامه به کوشش نهاد مادران علیه اعدام برگزار می گردد.



زنان کارگر افغان

فرح صبری

کارگران افغان و مهاجر در ایران از بی حقوقی مطلق رنج میبرند و جهنم جمهوری اسلامی برای این کارگران بمراتب درناک تر و وحشتناک تر است و شاید دیگر کمتر قابل تصور باشد که زنان و دختران کارگر افغان چه وضعیتی دارند و بدلیل ارتباط کمتر این زنان با خارج از محیطهای کاری، در باره ی وضعیت کاری آنها نیز بسیار کم گفته و نوشته شده است. دختران و زنانی که نه تنها زیر چرخهای بیرحم سرمایه له میشوند، نه تنها مهاجرت بار سنگینی بر دوش آنها میگذارد، بلکه میبینیم مناسبات خشن و ضد زن مردسالاری چگونه به زندگی این زنان و دختران زهر میپاشد. فریضه دختر نوجوان ۱۴ ساله افغان که فارسی را بخوبی صحبت میکند از دردهای بی پایانشان میگوید: در ایران دنیا آدم و همه ی خاطرات کودکی ما را از کار در مزارع بیاد میآورم. از هر وقتی که بیادم میآید همراه مادرم کار میکردم حتی اگر بزور میتوانستم سطلی را بلند کنم. حالا که بزرگ شده ام دیگر کار وظیفه ی من است و همراه خواهرانم هر روز کار میکنم. مزد ما تنها از نصف مزد مردها هم گاهی کمتر است در حالیکه ما هم همان اندازه کار میکنیم ولی میگویند شما زن هستید و باید کمتر مزد بگیرید. باید هر روز به کار برویم و پولش را برای خرج خانه میدهیم چون پدرم پیر شده و دیگر کمتر کسی او را برای کار میبرد. من و خواهرم باید خرج خانه را در بیاریم و دو برادر کوچکتر هم داریم که آنها هم کار میکنند. آنها در جمع کردن ضایعات کارتن و چیزهای دیگه به پدرم کمک میکنند. برادر بزرگترم هم ازدواج کرده و بچه دارد و او هم حسابی کار میکند. ما از این شهر

کارگرای پسر توجه کرده، هم کارش را از دست میدهد هم در خانواده مجازات میشود. ما حتی نمیتوانیم برای ساعتی تنها به بیرون از خانه برویم. من خیلی دلم میخواهد موبایل داشته باشم برای همین اولین دختری بودم که جرات کردم به پدرم بگویم موبایل میخواهم ولی بعد از کلی کتک کاری توانستم یک گوشی موبایل اونهم بدون سیم کارت داشته باشم که همیشه همراه من هست و با آن به موسیقی گوش میکنم. اما برادر بزرگتر من تمام مدت من را زیر نظر دارد، حتی وقتی از اتاق بیرون میروم دنبال من به حیاط یا اتاق دیگر میآید که مبادا من با کسی حرف بزنم با اینکه میداند گوشی من بدون سیم کارت است.

می پرسم: اگر روزی عاشق کسی بشوی چه میکنی؟ او با تکان دادن سرش گفت: با اینکه خیلی خوبه که با کسی که میخواهی زندگی کنی عاشقش باشی ولی ما

هم خسته میشویم و بعضی وقتها دیگر نای کار کردن را از دست میدیم اما سعی میکنیم کسی نفهمد که بیتوان شده ایم تا باز هم ما را برای کار ببرند. ما هیچ وقت نمیتوانیم غذای کافی بخوریم و بیشتر وقتها گرسنه هستیم. تا کلاس دوم به مدرسه رفتم حروف الفبا را میشناسم ولی دیگر ادامه ندادم چون پدرم میگفت که نمیتواند هزینه ی مدرسه و دفتر و کتاب و روپوش مدرسه را بدهد ولی من خیلی دلم میخواستم درس بخوانم. دلم میخواهد بتوانم کتاب بخوانم! من ماجرای ملاله دختر افغان را شنیدم و او را خیلی دوست دارم.

از او میپرسم که تا به حال عاشق شده است و با شرم و خنده ای زیر لب میگوید: ما که کسی را نمی بینیم، فقط کار میکنیم و تازه اگر اطرافیان دختری را ببینند که به

حق عاشق شدن نداریم و پدرمان تصمیم میگیرد که ما را به چه کسی شوهر بدهند. چون او باید بتواند مبلغی را که پدرمان برای ما تعیین میکند بپردازد. و بهتر است اصلا عاشق کسی نباشی چون فایده ای جز ناراحتی ندارد. زندگی ما جز کار کردن هیچ معنایی ندارد. بعد از ازدواج هم ما کار میکنیم تا پیر شویم تا وقتی که دیگر کسی ما را برای کار نبرد. اصلا نمیدانم ما برای چی به این دنیا آمدم. زندگی ما خیلی سخت است!!!

ساعات پخش برنامه های کانال جدید افزایش یافت!

پخش برنامه های تلویزیون کانال جدید از چهارشنبه ۲ اسفند ۱۳۹۱ برابر با ۲۰ فوریه، به ۴ ساعت در روز افزایش یافت.

کانال جدید هر روز هفته، از ساعت ۶ و نیم تا ۷ و نیم عصر بوقت ایران (۴ تا ۵ شب به وقت اروپای مرکزی) و ۱۰ و نیم تا ۱ و نیم شب به وقت ایران (۸ تا ۱۱ شب به وقت اروپای مرکزی) پخش میشود.

کانال جدید همه روزه برنامه پخش مستقیم دارد. با برنامه پخش مستقیم تماس بگیرید!

فرکانس و ساعات پخش کانال جدید را به اطلاع دیگران برسانید!

به کانال جدید کمک مالی کنید! یاری کنید تا ساعات پخش را باز هم افزایش دهیم!

کانال جدید:

شبکه کورد کانال kurd channel

هاتبرد

ترانسپوندر ۱۵۵

فرکانس ۱۱۶۴۲

افقی، سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۵/۶

<http://www.newchannel.tv/>

nctv.tamas@gmail.com

شماره حساب:

Engalnd
Account nr: 45 47 79 81
Sort code: 60-24-23
Account holder: WPI
Branch: wood green
Bank: Nat West
IBAN:GB77 NWBK 6024 2345
4779 81
BIC: NWBK GB 2L

برای ساکت کردن زن قرن بیست و یکمی و مدرن و سنت شکن، باید تهدید به سنگسار را بالای سر جامعه نگه داشت!

اسلامی در دادگاههای عادلانه و بین المللی باید پاسخگو باشند. اینرا به همه فرار کردگان و در مسند قدرت ماندگان و حاکمین قبلی و فعلی قول میدهم.

مینا احدی

۲۹ آوریل ۲۰۱۳

Mina Ahadi
1775692413 (0) 0049
minnaahadi@gmail.com
minaaahadi-iran.blogspot.co.uk

stopstonningnow.com
notonemoreexecution.org
ex-muslime.de

حرمت و زندگی مردم را به گروگان گرفته اند و لزومی به قانون ندارند دستگاه قضایی شان دستگاه جنایت است و هر جا لازم باشد "حکم قاضی" میدهند و هر جا لازم باشد میکشند و جنایت میکنند. اینرا مردم ایران سی و چند سال است با عمق وجود خود تجربه کرده اند.

این حکومت به زیر کشیده خواهد شد و همه کسانی که کشتند و تجاوز کردند همه آنهايي که دستور این جنایات را دادند و همه سازندگان این بساط خون و رذالت

مدرن و سنت شکن ایرانی، حکومت را عاجز کرده اند.

چه کسی است که نداند ریش و پشم جنبش اسلامی و حکومت اسلامی ریخته است و بهمین دلیل بیش از اینکه این پنجه کشیدنهايشان موجب ترسی در بین جماعتی شود، مردم نگاهی از سر نفرت و غیض میکنند و میروند. میدانند باید روزی تکلیف کلیت این حکومت را روشن کنند. باید اینها را سرنگون کنند. و میدانند چه در قانون کذایی شان بنویسند و یا ننویسند. اینها جان و هستی و

تیر خلاص به سنگسار در آن کمپین زده شد و این حکومت دیگر جرات نمیکند و جرات نخواهد کرد زنی را در ایران سنگسار کند. الان در مورد حذف اسم سنگسار و یا قانون سنگسار به لکننت زبان افتاده اند و خود را بیش از پیش مسخره خاص و عام کرده اند.

این وضعیت حکومت اسلامی ایران است.

هیچ چیز همچون این بربریت و وحشیگری قرون وسطایی گلویشان را نگرفته، هیچ موضوعی همچون این جنایتکاری آشکار و وحشیانه یعنی سنگسارزنان و یا مردان، آخوند و معمم و مکلاهی این حکومت را وادار به عکس العمل نکرده.

نایب رئیس کمیسیون قضایی مجلس:

یکی از ایرادات شورای نگهبان این بود که بحث رجم باید از لحاظ فقهی در قانون باشد و تنها نحوه اجرای آن تغییر کند. اوتأکید کرد: در قانون جدید مجازات اسلامی رجم سالب حیات است و نحوه اجرای آن از طریق سنگ نیست بلکه به وسیله اعدام یا سایر شیوه هایی است که با تدبیر قوه قضائیه صورت می گیرد.

موضوع بر سر خون ریختن است. باید جنایت کنند و گرنه کل دم و دستگاه حکومتی اشان بهم میریزد. بدون تهدید به خون ریختن، در هیچ جای وهیچ موردی امنیت ندارند باید چنگ و دندان نشان دهند. بویژه باید به زنان چنگ و دندان نشان دهند. همین امروز هم با وجود داشتن قانون رجم و شلاق و حمله به بد حجابان و ... و ... زنان آزاده و

کمیسیون قضایی مجلس: حذف سنگسار از قانون جدید مجازات اسلامی صحت ندارد.

باید تهدید به کشتن زنان را روی سر جامعه نگه دارند، برای بقای حکومتشان به این تهدیدات نیازمندند، باید بکشند، سوالشان اینست، با سنگ و یا طناب؟

این البته دهمین بار است که در مورد سنگسار حرف میزنند، هر از چند گاهی یکی می آید میگوید از قانون حذف کرده ایم و نفر دومی می آید و میگوید نه هنوز حذف نشده و نفر سوم می آید و میگوید چون وجهه نظام را خراب کرده ایم، اسم رجم و یا سنگسار را حذف میکنیم و چهارمی میگوید میکشیم ولی نه با سنگ و این داستان تهوع آور و در عین حال مسخره حکومتی است که نفس وجودش با ضدیت با زنان آمیخته است.

البته این مسخره شدن اشان در میان مردم ایران و دنیا را به حساب خودمان باید بگذاریم. به حساب مردمی که علیه سنگسار جنگیدند، به حساب زنانی که حکومت را در همه جنبه ها به چالش گرفته و به همه قوانین و مقررات و فرهنگ زن ستیزانه این حکومت تف کردند. بویژه مدال را باید به گردن کسانی انداخت که در کمپین مهم و جهانی و درخشان، نجات سکینه محمدی آشتیانی دنیا را روی سر حکومت اسلامی خراب کردند. آبروی نداشته شان را بر باد داده و همه سران این حکومت از احمدی نژاد تا خامنه ای و از رفسنجانی تا خاتمی را مجبور کردند در این مورد حرفی بزنند و دروغی سرهم بندی کنند.

به نظر من کسی که نظام اقتصادی موجود را بهترین و ممکن ترین نظم می نامد، دارد به توحش خودش اعتراف می کند. واقعیت این است که بویژه با نقد مارکس به سرمایه داری بشریت ضرورت و امکان پذیری يك نظام اقتصادی و اجتماعی برتر را اعلام کرده و حتی خطوط اساسی چنین جامعه ای را ترسیم کرده است. جامعه ای متکی بر برابری و آزادی کامل انسانها، جامعه ای مبتنی بر تلاش خلاقانه همگانی برای تامین نیازهای بشری، جامعه ای که در آن وسایل تولید دارایی مشترک همه مردم باشد.

جامعه ای بدون طبقات، بدون تبعیض، بدون کشور و بدون دولت مدتها است که مقدور است. خود سرمایه داری مقدمات مادی این نظام اقتصادی نوین را فراهم کرده است.

مارکسیسم و جهان امروز
منصور حکمت در مصاحبه با انترناسیونال
اسفند ۱۳۷۰

زنده باد سوسیالیسم!

گرزاش تصویری اول ماه مه



کانادا-ونکوور



سوئد-یوتکوری



کانادا-تورنتو



آلمان-برمن



آلمان-آخن



آلمان-آخن



آلمانی-آخن

گزارش تصویری اول ماه مه



فرانکفورت



آلمان-فرانکفورت



سوئد-استکهولم



آلمان-برلین



سوئد-مالمو



آلمان-هامبورگ

کمک مالی به تلویزیون کانال جدید
احمد حسینی - ششصد و چهل دلار

انترناسیونال
نشریه حزب کمونیست کارگری
سر دبیر: بهروز مهرآبادی
مسئول فنی: نازیلا صادقی
ای میل: anternasional@yahoo.com
انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!